

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۵

جمعه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۲۴ آوریل ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمیر تقوایی

مرگ جمعی پناهجویان: چه کسی مسئول است؟

۲۵ هزار امضا در اعتراض به تخریب فضای سبز زندگی!

اول مه و اخلال در نظم سرمایه! دور جدید مذاکرات و معضل لاینجل رابطه با غرب!

صفحه ۷

شنبه ۲۵ آوریل همه جا علیه اعدامها در ایران

با تمام قوا در برابر اعدامها بایستیم!

صفحه ۱۱

شنبه ۲۵ آوریل ۵ اردیبهشت روز جهانی اعتراض به اعدامها در ایران

صفحه ۱۲

لیست تظاهراتهای ۲۵ آوریل در اعتراض به اعدامهای اخیر در ایران

صفحه ۱۲

خود سوزی راه نیست!

باید بساط سرمایه داران و

حکومت اسلامیشان را به آتش کشید!

صفحه ۹

بیانیه اول ماه مه، روز جهانی کارگر:

بشریت طبقه کارگر را فرامیخواند!

بحران حکومتی بورژوازی عیان تر شد و جنگ و جنایت دول سرمایه داری و جنبش های مذهبی و قومی مناطقی چون عراق و سوریه و یمن و غیره را در وحشت و نابودی فرو برد. امید بر این زمین اسیر سرمایه داری تنها در جایی جرقه زد که صف ۹۹ درصدی ها از زندگی و آزادی دفاع کرد؛ از جمله در یونان بر علیه ریاضت کشی اقتصادی، در کوئینز و پاریس در برابر داعش و اسلام سیاسی، و در ایران علیه اسید پاشی حکومت اسلامی و برای افزایش دستمزد!

یکسال دیگر تحت حاکمیت سرمایه گشت و زمین گرم تر و آلوده تر و نابرابرتر شد. "آکسفام" اعلام کرد که طی سالهای پس از بحران اخیر (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴) دارایی یک درصدی ها از ۴۴ به ۴۸ درصد کل ثروت جهان افزایش یافت؛ و پیش بینی کرد که در سال ۲۰۱۶ ثروت یک درصدی ها بیش از کل ۹۹ درصد باقی جمعیت جهان خواهد شد! در سالی که گذشت اعدام و زندان در کشورهایی نظیر ایران گسترش یافت. ارتش ها بر زرادخانه های خود افزودند و مهاجرین بیشتری در دریا غرق شدند.

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر

روز فراخوان سوسیالیسم علیه منجلاب

سرمایه!

صفحه ۲

اول مه امسال و حکومت اسلامی

شهلا دانشفر

گرفته است و حرف همه اینها بعنوان اولین سنگر برای پیشروی بیشتر اینست که میگویند دیگر حاضر به تحمل این خفت و بردگی نیستند و خواستار دستمزدی بالاتر از خط فقر اعلام شده از سوی دولت یعنی سه میلیون و پانصد هزار تومان هستند. از جمله معلمان با این خواست برای

جامعه بوجود آورده اند. یک محور مهم این اعتراضات، علیه فقر و گرانی با خواست افزایش فوری دستمزدهاست و ما با یک جنبش وسیع اجتماعی بر سر این خواست به استقبال اول مه میرویم. جنبشی که صف وسیعی از کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بخش های مختلف حقوق بگیر جامعه را در بر

اول مه امسال در شرایطی فرا میرسد که اعتراضات کارگری ابعاد بیسابقه ای پیدا کرده است و هر روز هزاران کارگر در مراکز مختلف کارگری در اعتراض و مبارزه هستند و معلمان نیز با اعتراضات سراسری هزاران نفره خود در همین مدت فضای جدیدی از اعتراض و مبارزه را در شهرهای مختلف و در سطح

اول مه امسال در ایران



میز گرد کیوان جاوید با اصغر کریمی و محمد آسنگران

صفحه ۴

اعدام در همه جا ضد انسانی است و باید لغو شود، اما ویژگی اعدام در ایران چیست؟
مینا احدی

صفحه ۱۱

از ما میپرسند؟



بیانیه اول ماه مه، روز جهانی کارگر:

بشریت طبقه کارگر را فرامیخواند!

از صفحه ۱

گسترش مبارزه جهت متحقق ساختن شعار "معیشت و منزلت" و کنار زدن بختک جمهوری اسلامی فراهم شده است. بطور مشخصتر، اول مه فرصتی است برای تحکیم اتحاد جهت گسترش اعتصابات و اعتراضات برای افزایش دستمزدها. فرصتی است جهت تقویت مبارزه برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی. فرصتی است برای بسط اعتراض علیه مجازات اعدام و ماشین آدم کشی جمهوری اسلامی. فرصتی است برای تاکید بر برابری بی قید و شرط زن و مرد و گسترش مبارزه برای الغاء عملی حجاب. فرصتی است برای اعلام انزجار علیه هرگونه تلاش جمهوری اسلامی برای دامن زدن به نفرت های قومی و مذهبی. در يك كلام اول مه فرصتی است برای قد برافراشتن طبقه کارگر بعنوان نماینده توده های عظیم مردم در برابر نظام اسلامی سرمایه در ایران و جلب بیشترین بخش های جامعه به مبارزه برای سوسیالیسم و رهایی انسان!

زنده باد اول ماه مه!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ فروردین ۱۳۹۴، ۲۰ آوریل ۲۰۱۵

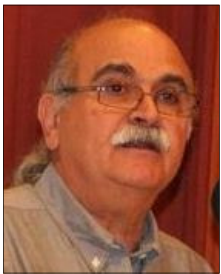
تناقضات خود دست به تلاشی مضاعف خواهد زد، اما در همانحال جامعه ایران را به پرتگاهی مهیب تر سوق میدهد. آن نیرویی که میتواند جلوی این روند را بگیرد و آنرا معکوس کند، یعنی بحران جمهوری اسلامی را به نفع جامعه حل کند، همان نیرویی است که در هر گوشه کنار از اعتصابات معلمان و کارگران تا مقابله با اسپدپاشی و حجاب، از برپایی اجتماعات فرهنگی و هنری در دانشگاه تا دفاع از محیط زیست و حق حیوانات بپاخاسته است. در مرکز این جنب و جوش شورانگیز نیروی کارگر و چپ جامعه قرار دارد که با شعار "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" خود نقش اساسی در عقب راندن جمهوری اسلامی به موقعیت فعلی داشته است.

اول مه امسال فرصت مغتنمی است تا این صف آزادیخواهی و برابری طلبی برای ایفای نقشی فعال در شکل دهی آینده سیاسی ایران آماده شود. باید از این سنت قدیمی و جهانی کارگران استفاده کرد و اتحاد و تشکل کارگران و همه مردمی که دراستثمار و نابرابری نفعی ندارند را تحکیم بخشید و گسترش داد. بویژه باید بر این تاکید کرد که با عقب نشینی های جمهوری اسلامی و فضای اعتراضی جدید موقعیت مساعدتری برای

در ایران اول مه در شرایطی فرا میرسد که فضای جدید اعتراضی گسترده ای در جامعه شکل گرفته است که محور آن را اعتصابات کارگران، معلمان و پرستاران برای افزایش دستمزد شکل میدهد. جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراض عمومی جامعه، تناقضات درونی خود و موقعیت بین المللی رو به وخامتش ناگزیر شده است تا از انرژی هسته ای حق مسلم ماست "به ترمش قهرمانانه" عقب بنشیند. این وضعیت، بحران مزمن جمهوری اسلامی را در نقطه عطف تعیین کننده ای قرار داده است. با توافق لوزان "جمهوری اسلامی در راهی بی برگشت قدم گذارده که در هر حالت همه تناقضات اقتصادی، سیاسی، حکومتی و ایدئولوژیک آن تشدید خواهد شد. جمهوری اسلامی بی تردید کوشش خواهد کرد تا ورشکستگی اقتصادی اش را بردوش کارگران و مردم بشکند؛ با اعدام و فضای رعب جلوی اعتراض مردم را بگیرد و تناقضات درونی خودش را تخفیف بدهد؛ و برای جایگزین کردن شعارهای ضد آمریکایی معمولش، انبان ارتجاع ناسیونالیسم ایرانی - شیعی را زیر و رو کند. بعبارت دیگر جمهوری اسلامی برای بقاء و حل

پیام حمید تقوائی بمناسبت روز جهانی کارگر

روز فراخوان سوسیالیسم علیه منجلاب سرمایه!



انرژی هسته ای حق مسلم ماست" به شکست کشانده

میشود و تعرض تازه ای با شعار کارگری "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" آغاز میشود. کارگران در راس و صف مقدم این تعرض قرار دارند. شرایط تازه زمینه مساعدی نه تنها برای جنبش کارگری و مبارزه بر سر افزایش دستمزدها، بلکه برای مبارزه بر سر منزلت: علیه مجازات اعدام، علیه بی حقوقی مفرط و بردگی جنسی زنان، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای برخورداری جوانان و کل جامعه از یک زندگی در خور شان انسان قرن بیست یکم، و کلا برای اشاعه و توده گیر شدن آرمان و چشم انداز آزادی و برابری و رفاه به روایت طبقه کارگر فراهم میکند. مدتهاست در همه این عرصه ها اعتراضات و مبارزات پیگیری در جامعه ایران جریان دارد. اگر جمهوری اسلامی عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین حکومت سرمایه داری عصر ماست، مبارزه و اعتراض بیوقفه مردم ایران علیه حکومت اسلامی سرمایه نیز متمنانه ترین و آنسانی ترین آمال و آرزوهای بشریت امروز را نمایندگی میکند. اول مه روز اعلام کیفی خواست سوسیالیستی طبقه کارگر در این نبرد و در پیشاپیش صف عظیم نود و نه درصدیها در ایران و در سراسر جهان است!

حمید تقوائی

۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ - ۲۲ آوریل ۲۰۱۵

میگویند آلترناتیو دیگری نیست، بسوزید و بسازید! اما توده های میلیونی مردم، نود و نه درصدیهای جهان، هیچگاه این شرایط را نپذیرفته و به آن تن نداده اند. تنها در چندسال اخیر، در دهه دوم قرن حاضر، از انقلاب تونس تا جنبش اشغال در نیویورک و لندن و از مقاومت پیروزمندانه کویانی تا مارش عظیم پاریس علیه مذهب و تروریسم اسلامی، و تا قدرتگیری چپ و نیروهای ضد ریاضت کشی در یونان و اروپا، جهان شاهد بجالش کشیدن وضع موجود بوسیله توده های میلیونی مردم بوده است. اول مه روز نمایندگی شدن این مبارزه گسترده جهانی بوسیله طبقه کارگر و فراخواندن این توده عظیم مردم معترض به صف سوسیالیسم است.

این فراخوان بویژه در جمهوری اسلامی که مظهر تمام و کمال توحش و ارتجاع و در عین حال بحران حکومتی و بی افقی و درماندگی سرمایه داری عصر ماست، ضرورت و مبرمیت ویژه ای پیدا میکند.

در ایران اول مه امسال مقارن با تحولات و تکانهای شدید سیاسی است. از یکسو جمهوری اسلامی در تلاش برای نجات اقتصاد در حال فروپاشی اش ناگزیر به "ترمش قهرمانانه" و سرکشیدن جام زهر دیگری تن میدهد و از سوی دیگر مبارزه کارگران و معلمان و پرستاران برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط معیشتی شان ابعاد وسیعی پیدا میکند. سیاست حکومتی

سرمایه داری عصر ما با بحران همه جانبه ای روبروست. بحران عمیق و فراگیری که در بی افقی و درماندگی یک درصدیهای حاکم در قبال مصائبی که خود بوجود آورده اند متجلی میشود: بحران مزمن اقتصادی که دیگر حتی در دل اروپای صنعتی فریدمنیسم و ریاضتکشی پاسخگوی آن نیست، تشدید بیسابقه نابرابری و شکاف عظیم بین فقر و ثروت که خود کارشناسان و نهادها و دولتهای سرمایه داری هر روز در مورد "عواقب و خطرات" آن هشدار میدهند، رویگردانی توده مردم از سیستم حکومتی و احزاب سنتی بورژوازی در کشورهای "مهد دموکراسی" در آمریکا و اروپا - آنچه رسانه ها "بحران دموکراسی" مینامند و تشدید و وخیم تر شدن آنرا پیش بینی میکنند، میدان دادن به مذهب در غرب و شرق و افسارگیسختگی سیاه ترین و وحشی ترین دولتها و نیروهای مذهبی و قومی و عشیرتی نظیر داعش و حوثی و عربستان سعودی و جمهوری اسلامی، آلودگی و تخریب فزاینده محیط زیست و سوق دادن کل کره ارض به ورطه نابودی و غیره و غیره، اینها همه حاصل سلطه نظامی است که مشخصا بعد از فروپاشی شوروی، در شکل "تاب و خالص" سرمایه داری بازار آزاد بر کل دنیا حاکمیت بلامنازعی داشته است. هیچ زمان منجلاب سرمایه داری این چنین عریان و بیواسطه در برابر چشم جهانیان نبوده است.

اول مه امسال و حکومت اسلامی

شهلا دانشفر

از صفحه ۱



قدرت رژیم اسلامی و تشدید فضای اعتراضی در میان مردم گواه این حقیقت است.

به عبارت روشنتر بدنبال توافق لوزان جمهوری اسلامی در موقعیت تضعیف شده تری در مقابل کارگران و مردم و مطالباتشان قرار گرفته است و این را در تعرضی تر شدن فضای اعتراض کل جامعه میشود به روشنی دید. و اینها همه فضای سیاسی و مبارزاتی اول مه امسال را میسازد.

نگاهی به این تصویر جایگاه سیاسی و متفاوت اول ماه مه امسال در ایران را به روشنی نشان میدهد. در چنین شرایطی است که روز جهانی کارگر میتواند فرصت مهمی برای صف آرایی طبقه کارگر و کل جامعه در برابر توحش سرمایه داری حاکم باشد. در چنین شرایطی است که اول مه میتواند روز اتحاد طبقاتی ۹۹ درصدی ها در مقابل کل توحش سرمایه داری حاکم باشد. و در چنین فضایی از اعتراض و مبارزه است که فرا رسیدن اول مه روز جهانی کارگر، رژیم اسلامی را چنین به دست و پا انداخته است.

اول مه و جمهوری اسلامی

سایه سنگین یازده اردیبهشت، اول ماه مه روز جهانی کارگر را در عکس العمل های حکومت به روشنی میتوان دید.

با گسترش اعتراضات در جامعه و نزدیک شدن اول مه، فشارهایشان را بر روی رهبران کارگری شدت داده اند. از جمله در اسفند ماه جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی دو تن از رهبران طومار ۴۰ هزار امضا را محاکمه کردند و برای آنها به ترتیب ۶ سال و سه سال و نیم حکم زندان صادر کردند. بعد از آن نیز شروع به احضار فعالین کارگری کردند و در همین هفته ریویز عبداللهی فعال کارگری در سنندج را با حکم یکسال راهی زندان نمودند. نظام صادقی، کورش بخشنده و حامد محودی نژاد در سنندج و علیرضا هاشمی معلم

روز ۱۷ اردیبهشت فراخوان به تجمعات اعتراضی سراسری داده اند. همچنین سه هزار پرستار با طومار اعتراضی خود خواستار افزایش فوری حقوقهایشان شده اند. و این جنبشی است که ۴۰ هزار کارگر نزدیک به ۴ سال است که با طومار اعتراضی خود بر سر خواست افزایش دستمزدها آغازش کردند و در آن بر داشتن یک زندگی انسانی پای فشرده اند. همه این اعتراضات در متن جامعه ای پر التهاب در جریان است که زنان با حجاب برگیرانشان، جوانان با کارزارهای موزیک خیابانی شان و بخش های مختلف مردم با اعتراضاتی چون اعتراض علیه آلودگی هوا و غیره و غیره، وجوه مختلفی از موجودیت حکومت اسلامی را نشانه میروند.

از سوی دیگر این اتفاقات در حالی صورت میگرد که حکومت اسلامی که زیر فشار اعتراض جامعه و بن بست اقتصادی اش ناگزیر به نوشیدن جام زهر شده و به پای توافق لوزان رفته است، تلاش دارد تا در برابر تشدید هر روزه تناقضات پایه ای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اش به ماشین سرکوب و جنایتش شتاب دهد و بر شمار اعدامهایش افزوده است، تا فضای اعتراضی جامعه را عقب زند. همچنین میکوشد تا بحران اقتصادی اش را با تحمیل ریاضت اقتصادی بیشتر بر جامعه تحمیل کند. اما همانطور که اشاره کردم ما شاهد این هستیم که کارگران و کل جامعه با جنبش های اعتراضی شان به جلو آمده و عملا به تقابل با آن برخاسته اند. از جمله از یکسو ظرف یکماه اخیر نزدیک به ۸۵ نفر اعدام شده اند و از سوی دیگر در همین مدت ما شاهد چنین فضایی از اعتراض و مبارزه هستیم و تجمعات هزاران معلم در روز ۲۷ فروردین ماه با خواست افزایش حقوقها و دیگر مطالباتشان، شورش در زندان و مبارزه آنان و خانواده هایشان علیه اعدام ها و اعتراضات هر روزه کارگران در مقابل مراجع

هم از گردهمایی های "قانونی" سخن میگوید.

در عین حال ستاد بزرگداشت "هفته کارگر" دولت، جزئیات برنامه این هفته را اعلام کرده است. هفته ای که اولین روزش رفتن به مزار خمینی و روزهای دیگرش دیدار با خامنه ای و انتخاب "کارگر نمونه" و غیره است. و یک روزش را هم روز "کارگر، خلاقیت، بهره وری و اقتصاد مقاومتی"، نام گذاشته اند. بالاخره روز آخر راهپیمایی ای خواهد بود که به محل نماز جمعه ختم میشود. که برگزاری آن نیز بر عهده خانه کارگر و اتحادیهها و کانونهای عالی کارگری دست ساز دولتی و با همیاری نیروهای سرکوب رژیم خواهد بود.

در حاشیه این برنامه ها جانبان اسلامی با وقاحت تمام "توید اعزاز ۲۰۰ تیم پزشکی" برای چکاپ کارگران به کارخانجات را میدهند. واقعا بلاهت هم حدی دارد، معلوم نیست که این ۲۰۰ تیم پزشکی چگونه در یک روز بسراغ میلیونها کارگر در محیط های کار خواهند رفت تا آنها را مورد چکاپ پزشکی خود قرار دهند. بعلاوه حتی اگر چنین طرحی ممکن گردد، در شرایطی که کارگران و کل جامعه از درمان رایگان، محرومند، در قبال هزینه درمان کارگرانی که توسط تیم های پزشک آنان بیمار تشخیص داده شدند، چه کسی مسئول خواهد بود؟

در حالیکه حداقل دستمزد را ۷۱۲ هزار تومان که چند بار زیر خط فقر است تعیین کرده اند، در حالیکه قیمت ها هر روز افزایش بیشتری می یابد و بحث بر سر گران شدن نان از تیر ماه و افزایش دوباره کالاهای حاصل انرژی است، در حالیکه فقر و فلاکت آنچنان ابعاد تکان دهنده ای بخود گرفته است، که وزیر بهداشت دولت پیشرومانه از اینکه ناگزیرند در برابر پدیده ای چون فروش کلیه بعنوان آخرین راه برای مردم درمانده از فقر سکوت کنند، سخن میگوید، و نیز در حالیکه محیط های ناامن کار خود منشا انواع بیماری و از کار افتادگی در میان کارگران است و هر روز قربانی میگیرد، طرح اعزاز ۲۰۰ تیم پزشکی برای چکاپ کارگران در روز کارگر یک شوخی احمقانه و توهین آشکار به شعور و به حرمت کارگران است.

صفحه ۱۰

با آتش است. از همین رو نزدیک به یک دهه است که بازی تشکیلهای دست ساز دولتی از جمله خانه کارگر و شورای اسلامی و دارو دسته هایشان این بوده است که از قبل های و جنجال بر سر راهپیمایی روز جهانی کارگر به پا میکنند و وقتی به روز موعود نزدیک میشویم تحت عنوان اینکه مجوز داده نشد و غیره آنرا لغو کرده و نهایتا خودی هایشان را در سالنی جمع کرده و باری دیگر بیعتشان را با حکومت اسلامی و قوانینش اعلام میکنند. چون تجربه اول مه هایی که کارگران نوانستند با خارج کردن آنان از صحنه، خیابانها را از آن خود کنند را دارند و این چیزی است که حتی از تصور وحشت دارند. یک نمونه آن، اول مه سال ۸۴ در استادایوم آزادی است که دوازده هزار کارگر در حرکتی جمعی و متحد با بلند کردن فریاد اعتراضشان و با شعارهایشان سالن را خالی کردند و مانع سخنرانی رفسنجانی شدند و پروژه انتخاباتی رفسنجانی و "خانه کارگریها" را به یک رسوایی بزرگ تبدیل کردند. نمونه دیگر اول مه سال ۸۶ است که هفت هزار کارگر در استادایوم شیروزی شرکت کردند و با شعارهای رادیکال خود و با هو کردنهایشان مانع سخنرانی محبوب شدند و مراسم دولتی خانه کارگریها را بهم زدند. بعد هم به خیابان آمدند و در صف چندین هزار نفره شان بطرف میدان هفت تیر راهپیمایی کردند و با شعار "ما کار میکنیم که زندگی کنیم، زندگی نمیکیم که کار کنیم" کیفرخواست خود را علیه توحش سرمایه داری اعلام کردند.

با چنین تجربه ای از قدرتنمایی کارگران در اول ماه مه هاست، که دولت و نهادهای دست سازش چون خانه کارگر و شوراهای اسلامی چنین محتاطند. اما امسال اوضاع متفاوت است. در مخصصه بلی گیر کرده اند. گفتن بر سر راهپیمایی آنچنان داغ است که آنها نیز حول و حوش میچرخند و در فکر و چاره اند. از جمله نویخت سخننگوی دولت در خصوص چگونگی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۹۴ در پاسخ به اینکه آیا دولت اجازه برگزاری اول مه را میدهد، از زیر جواب روشن دادن فرار میکند و موضوع را به اظهار نظر وزارت کشور واگذار میکند. و بعد

اول مه امسال در ایران

اصغر کریمی و محمد آسنگران

کیوان جاوید در تلویزیون کانال جدید میزگردی با محمد آسنگران و اصغر کریمی درباره اول مه در ایران برگزار کرده است که متن پیاده شده آنرا در زیر میخوانید.

کیوان جاوید: ما امسال در چه شرایطی به استقبال اول مه میرویم؟ محمد آسنگران: فکر کنم هر کس جامعه ایران را نگاه کند اولین چیزی که به وضوح میبیند فقر و فلاکت و بی حقوقی و دستمزد چند برابر زیر خط فقر است که به آن جامعه تحمیل شده است. این از مهمترین مولفه های شرایط امروز ایران محسوب میشود و ذهن اکثریت جامعه را بخود مشغول کرده است. اما از طرف دیگر اعتراضات، مبارزات، اعتصابات و جنب و جوشی است که در مقابل این شرایط سخت و سیاستهای حکومت و سرمایه داران جود دارد. بنابراین ما عمدتاً دو جبهه را در در جامعه میبینیم که در مقابل هم صف کشیده اند. جبهه مردم معترض و بویژه جنبش کارگری در مقابل جبهه دولت و سرمایه داران قرار گرفته اند. در عین حال میدانیم که این دو قطب هر کدام به دنبال اهداف خود هستند.

جامعه فقط هنگامی این دو قطب را در مقابل هم میبیند که جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی در یک مبارزه و اعتراض به میدان آمده باشند و دولت را به چالش بکشند. اما در پس این اعتراضات جلالی دائمی را میبینیم که بر سر شکل دادن به آینده جامعه این دو جبهه به دنبال سیاست و اهداف دیگری هستند. مثلاً اگر حکومت و دولت را نگاه کنید از یک طرف میخواهد جامعه را ساکت و اعتراضات را سرکوب کند و از طرف دیگر میخواهد سیاستهای منطقه ای و جهانی خودش را پیش ببرد. در مقابل سرمایه داران و دولت، جنبش کارگری قرار دارد که در قدم اول میخواهد از دست این فقر و فلاکت تحمیل شده رها بشود و نانی به سفره اش اضافه بشود، در عین حال میخواهد کل این سیستم را زیر ضرب بگیرد و آنرا از بنیاد تغییر

کیوان جاوید: آیا در توان طبقه

کارگر ایران هست و زورش میرسد که یک اول مه قدرتمند و اجتماعی برگزار کند یا این فقط یک آرزوست؟

اصغر کریمی: نه تنها این توان را دارد که یک اول مه قدرتمند برپا کند بلکه این توان را دارد که کل جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را نابود کند و یک نظام انسانی برای همه جامعه بسازد. این واقعا در توان این طبقه هست. طبقه ای که اکثریت جامعه را تشکیل میدهد، کارگران مراکز تولید و خدمات و ترانسپورت، پرستاران و بخش زیادی از پزشکان و معلمان و بخش زیادی از دانشجویان و زنان و جوانان، در

بدهد. همه این فاکتورها اکنون بخشی از شرایط فی الحال موجود آن جامعه محسوب میشود. بنابراین ما جامعه ای را در ایران میبینیم که از یک طرف فقر تا اعماق جامعه نفوذ کرده است و از طرف دیگر از کوه ثروت دسترنج مردم زحمتکش در آن جامعه چنان ریخت و پاش میشود که هر روزه میشنومیم دزدهای میلیاردی افشا میشود. اینرا رسانه های خود این حکومت و دادگاههای خود این حکومت میگویند. دزدهای میلیاردی و فقر نود درصد آن جامعه حس و گمان کسی نیست همه سران حکومت و مردم هم اینرا میدانند و کسی متکرش نیست. خود حکومت مرتب دارد کسانی را به عنوان دزدهای میلیاردی به جامعه معرفی میکند که همه آنها از مقامات درجه اول همین حکومت هستند. این مسائل امروز به امری عادی و موضوع روز تبدیل شده است. انگار میخواهند جامعه به این همه فساد و دزدی اسلامی عادت کند. در چنین جامعه ای به اول مه روز جهانی کارگر نزدیک میشویم و باید در این جامعه و با این مشخصات گفت حالا در روز جهانی کارگر چکار باید کرد.

کیوان جاوید: شما میتوانی بگویند که کارگر ایران هست و زورش میرسد که یک اول مه قدرتمند و اجتماعی برگزار کند یا این فقط یک آرزوست؟

اصغر کریمی: نه تنها این توان را دارد که یک اول مه قدرتمند برپا کند بلکه این توان را دارد که کل جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را نابود کند و یک نظام انسانی برای همه جامعه بسازد. این واقعا در توان این طبقه هست. طبقه ای که اکثریت جامعه را تشکیل میدهد، کارگران مراکز تولید و خدمات و ترانسپورت، پرستاران و بخش زیادی از پزشکان و معلمان و بخش زیادی از دانشجویان و زنان و جوانان، در

را هم اگر بخواهیم مورد بحث قرار بدهیم برای پاسخ به این سوال کافی است به اعتراضات اجتماعی و هر روزه جنبش کارگری و دیگر اقشار معترض آن جامعه نگاه کنید. از مراکز مختلف کارگری تا اعتراضات هزاران نفره معلمان و پرستاران و... امسال اتفاقات مهمی را خلق کرده اند که بسیار اجتماعی تر و جلوتر از اعتراضات سالهای قبل است. معلمان و پرستاران وارد فاز تازه ای شده اند. دلیل این مسئله هم روشن است زیرا زندگی برای اکثریت بالایی از جامعه و بویژه مزد بگیران غیر قابل تحمل شده است. وقتی که خود دولت خط فقر را حدود دو میلیون تومان اعلام میکند و دستمزد را حدود هفتصد هزار تومان تعیین میکند این یعنی اکثریت عظیم مردم آن جامعه را به زندگی فلاکتناز محکوم کردن. از نظر خود دولت و آمارهایی اعلام شده خودشان اکثریت عظیم مردم ناچارند سه برابر زیر خط فقر زندگی بکنند. معنی این سیاستها یعنی توهین و بیحرمتی و تحمیل مرگ تدریجی به آن جامعه و این طبیعی است که چنین حکومت و سیاستی مورد اعتراض قرار میگیرد.

در چنین شرایطی یک آخوند و یک بچه آخوند و یا یک فرمانده سپاه و دیگر مقامات این حکومت میتوانند اقدامات دلاورانه دزدی بکنند و این دزدها همه مقامات دولتی را دربر گرفته است، از طرف دیگر کارگران و تولید کنندگان واقعی و مردم زحمت کشی که این ثروت عظیم را خلق کرده اند خودشان باید از گرسنگی رنج ببرند.

بنابراین این اعتراضات وسیع و اجتماعی در مقابل این همه اجحاف و نابرابری تنها راه مقابله با آن است و این اعتراضات هم اکنون در جریان است. یکی از نمونه های امیدبخش به تغییر اوضاع همین اعتراضات کارگری و معلمان و پرستاران است که میبینیم. علاوه بر این چند تشکل کارگری در مورد دستمزدهای سه چهار برابر زیر خط فقر بیانیه مشترکی منتشر کرد و عزم خود را برای مقابله با این اوضاع نشان دادند

همه این نمونه های از جمله نمونه هایی است که جامعه میتواند امید به آینده بهتر را در تقویت این اعتراضات بیابد.

حرکت اعتراضی معلمان که در ابعاد هزاران نفره به خیابان آمدند و هم اکنون در تدارک اعتراضات وسیعتری هستند میتوانند کل فضای سیاسی جامعه را از ریشه متحول کند. در کنار و در پیشاپیش این اعتراضات، اعتصابات و تجمعات کارگری را میبینیم که هر روزه در مراکز مختلف کار در سراسر ایران به بخشی از داده های اجتماعی تبدیل شده است.

اما ممکن است گفته شود با این وجود این اعتراضات هنوز دولت و حکومت را وادار به عقب نشینی نکرده است. بنابراین من فکر میکنم اتحاد و همبستگی بیشتر از این را لازم داریم که دشمن را به عقب نشینی وادار کنیم. بلقوه نیروی وسیع و قوی طبقه کارگر این توان را دارد اما باید کاری کرد با اتحاد و همبستگی و هماهنگی بیشتر صف اعتراض کارگران و معلمان و پرستاران و زنان و جوانان و... را به میدان آورد. این نیروی بلقوه باید بلفعل بشود تا ما بتوانیم مطالباتمان را به کل سیستم حاکم تحمیل کنیم.

اصغر کریمی: در ادامه نکاتی که محمد آسنگران گفت دوست دارم چند نمونه مشخص را بگویم. معلمان با میلیون ها خانواده دانش آموز سر و کار دارند و هر بار اعتصاب میکنند کل جامعه را متوجه خود میکنند و یک نقطه قوت بزرگ آنهاست که هر بار اعتراض میکنند اعتصاب و اعتراضشان سراسری است هم سال ۸۵ و هم سال گذشته اینطور بود. این نقطه قوتی است که باید مورد توجه بقیه صفوف طبقه کارگر هم قرار گیرد. یک نکته دیگر این است که مراکز بزرگ و کلیدی کارگری در سال گذشته دست به اعتصاب و اعتراض زدند. سال های قبل و همیشه هم اعتراضات وجود داشته اما اولاً ابعاد و تعداد این اعتصابات به مراتب بیشتر شده و ثانیاً در سالهای اخیر اعتصاب در مراکز بزرگ و کلیدی بیشتر شده است. مثلاً ایران خودرو علیرغم اینکه حراست و وزارت اطلاعات بشدت این مرکز بزرگ را کنترل

اول مه امسال در ایران

از صفحه ۴

میکنند تا مانع هر حرکتی بشوند، با خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب و اعتراض زدند، و یا برخی دیگر از ماشین سازی ها، پتروشیمی ها، کارگران معادن مثل چادرملو و بافق یزد، که اعتراضات باشکوهی داشتند و فی المثل در بافق با توجه به حضور فعال خانواده هایشان یک شهر را به حرکت درآوردند و صدها یا هزاران اعتصاب دیگر در مراکز کارگری و در کنار اینها سایر اقشار جامعه اعتراضشان بیشتر شده است دانشجویان، جوانان، زنان برای رفتن به استادیوم و انواع خواست های دیگر به اشکال مختلف اعتراض میکنند، هوای خوزستان خراب میشود بلافاصله اعتراض شروع میشود و الان خوزستان به یک مرکز بحران تبدیل شده و هر لحظه ممکن است به انفجار مردم منجر شود، قزوین و اراک و مراکز صنعتی حالت انفجاری دارند. در چنین شرایطی طبقه کارگر قدرت بیشتری دارد تا شرایطی که جمهوری اسلامی قدرتمند است و جامعه را به سکوت کشانده باشد.

کیوان جاوید: همه این نمونه ها که گفتید ممکن است بگویند چه ربط مستقیمی به اول مه امسال دارد آیا میشود اول مه قدرتمندی را برپا کرد؟

محمد آسنگران: باید برای این مسئله تلاش کرد. اینطوری نیست که آروز کنیم و فکر کنیم فردا این اتفاق میفتد. بحث این است که فعالین و تشکلهایی هستند که نقش دارند. توان و پتانسیل این را دارند که نیروی کارکن آن جامعه را به تحرك و اتحاد بیشتری رهنمون بشوند. برای مثال در هر مرکز کارگری تعدادی فعال و رهبران کارگری وجود دارند که معتمدین و منتقدین و معترضین و رادیکالهای آن مرکز هستند. همینها در این مراکز شبکه ها و محافلی از انسانهای آگاه و دلسوز را به دور خود جمع کرده اند و آن مراکز را صاحب سازمان و یا شبکه های تصمیم گیرنده کرده اند که در مورد مسائل مختلف به مرجع و اتوریته اکثریت کارگران تبدیل شده اند. این فعالین

همراه با تشکلهای کارگری که وجود دارند اگر بتوانند فراخوان مشترکی برای اول مه بدهند توجه های زیادی به خود جلب میکند. اما اگر این اتفاق نیفتد ممکن است تشکلهای جداگانه فراخوان بدهند و با نفوذ محدودی که هر کدام از آنها دارند باز هم ما با قدرت کمتری در مقابل دستگاه دولت و سرمایه داران قرار میگیریم.

امسال دیگر همه اقشار کم درآمد جامعه به این قناعت رسیده اند که مشکل عمومی جامعه امروز تامین معیشت است و برای زندگی بهتر راهی بجز اتحاد و همبستگی و به میدان آمدن وجود ندارد.

امروز در ایران مسئله معیشت به معنی مرگ و زندگی است. بنابر این یا جامعه با قدرت به میدان می آید و تامین معیشت با استاندارد امروزی را به سرمایه داران و دولت تحمیل میکند یا ناچار به زندگی فلاکت باری میشود که اسم آنرا باید مرگ تدریجی گذاشت.

به جامعه که نگاه میکنند از کارگر گرفته تا معلم از پرستار گرفته تا کارگران بیکار از جوانان قشر زحمتش گرفته تا زنان خانه دار همگی با مشکل تامین معیشت دست و پنجه نرم میکنند. همه این اقشار را اگر نگاه کنید یعنی نود درصد جمعیت ایران. اگر حتی بخشی از این جمعیت عظیم بتواند متحدانه برای خواست و مطالباتش به میدان بیاید حکومت توان مقابله با آنرا ندارد.

اصغر کریمی: یک قدم بزرگی که بویژه در سال گذشته جامعه به جلو برداشت این است که همه روی خواست افزایش دستمزد متحد شده اند. درست است که مثلا معلمان هنوز نسبت به مسائل کارگران مراکز صنعتی توجه کمی دارند که خوب است در مورد این مساله و علت آن صحبت کنیم و یا بعضا کارگران نسبت به مسائل بقیه جامعه کم توجهی بکنند اما همه روی مساله دستمزد متحد شدند. معلم دستمزد بیشتر میخواهد میگوید چرا خط فقر سه میلیون و نیم است ولی حقوق من یک میلیون است، کارگر میگوید چرا من هفتصد و بیست هزار میگیرم یعنی سه چهار برابر زیر خط فقر، پرستاران همین اعتراض را دارند، بازنشسته ها هم همینطور. در

نتیجه روی یک خواست مهم متحد شده اند. حالا اینکه معلمان نظام هماهنگ دستمزد میگویند، پرستاران به شکل دیگری و کارگران هم به شکل دیگری ولی همه میگویند حقوق ما باید زیاد شود میخواهیم زندگی کنیم. معلمان حقوق خودشان را با پزشکان مقایسه میکنند که حق هم دارند ولی مهم است که همه صریح و روشن روی خواست افزایش حقوق و دستمزد یک حرف را بزنند و بگویند حقوق ها باید بیشتر از خط فقر باشد. نکته دیگر اینکه چرا معلمان و تشکل هایشان خودشان را کنار تشکل های کارگری قرار نمیدهند که اطلاعیه مشترک دادند حول مساله دستمزد؟ مگر معلمان و پرستاران همین مشکل را ندارند؟ یا رهبران کارگری در چادرملو و ایران خودرو و پتروشیمی ها چرا به حرکت تشکل های کارگری نمی پیوندند؟ تشکل های کارگری اسم و رسمی دارند، آماده تر هستند، میتوانند با هم تماس بگیرند و اطلاعیه مشترکی بدهند اما هم معلمان و پرستاران و هم مراکز مختلف کارگری میتوانند بیانه آنها را امضا کنند و این حرکت را هرچه بزرگتر کنند. دو خواست دیگر که میخواهم اشاره کنم یکی مساله تشکل است که نه تنها باید بعنوان یک حق از آن دفاع کرد چون با تشکل قدرت کارگر هزار بار بیشتر میشود، ولی فقط دفاع از حق نیست خودش باید برای متشکل شدن به حرکت درآید، در مراکز مختلف کارگری متشکل تر شود، تشکلهای موجود را قوی تر کنند و به آنها بپیوندند، معلمان کانون صنفی را واقعا مال خودشان بکنند، در کانون صنفی در همه شهرها معلمان مثلا ده خواست روشن را مطرح کنند، و حول خواست های روشنی متحد شوند و خواست دیگر آزادی کارگران و معلمان زندانی است چون اگر با اعتراض جمهوری اسلامی را مجبور کنیم آنها را آزاد کند کارگر و معلم و غیره قوت قلب بیشتری برای حرکت و اعتراض و متشکل شدن پیدا میکند.

کیوان جاوید: شما به لزوم اتحاد اقشار مختلف طبقه کارگر اشاره داشتید اما آنطور به نظر میرسد که پراکندگی اقشار طبقه کارگر بیشتر از اتحادشان است. مثلا وقتی معلمان به خیابان می آیند کارگران

نیستند. وقتی پرستاران هستند معلمین نیستند یا وقتی کارگران چادرملو اعتراض میکنند کارگران بافق با آنها نیستند. آیا شما این پراکندگی را میبینید. اگر پاسخ مثبت است چگونه میگوید باید اول مه متحانه را برگزار کرد که کل جامعه را نمایندگی کند؟

محمد آسنگران: اول این یک ایدئالی است که من فکر نمیکنم هیچ وقت اتفاق بیفتد مثلا اگر معلمان اعتراض بکنند از آن طرف کارگران و پرستاران در مراکز کار دست از کار بکشند و برونند به معلمان بپیوندند. این اتفاق نمیفتد در میان اقشار مختلف کارگری هم نباید این انتظار را داشت. در دنیای واقعی در یک جامعه مسائلی هست که در مقاطعی به مسئله همگانی تبدیل میشود. امروز در ایران موضوع تامین معیشت و بحث دستمزد و حقوق، چنین موقعیتی را خلق کرده است. حتی هر سال همیشه اینرا گفت. اما امسال میتواند اینرا در ایران گفت.

میدانم که به مناسبت روز جهانی کارگر در یک جامعه نرمال ممکن است اقشار دیگر پیام و بیانیه و اعلام حمایت بکنند. اگر نه در روز جهانی کارگر اساسا کارگران مراسمهایی برپا میکنند و مارش میروند و سیاستشان را برای جامعه و حقوق خود اعلام میکنند.

بحث این است که ایران امروز را نمیشود مثل یک جامعه نرمال سرمایه داری هم فرض گرفت. زیرا بسیاری از مسائل در آن جامعه حالت اوژنلس و بحرانی پیدا کرده است. اولاً خود حکومت بهم ریخته تر از آن است که خیلیها تصور میکنند. برعکس تبلیغات جریانات پرو حکومتی و راست ناسیونالیست اوضاع رژیم اسلامی بحرانی تر از آن است که رسانه های حکومت و بین المللی میخواهند به خورد مردم بدهند. جمهوری اسلامی امروز در موقعیت ضعیف تری از قبل قرار گرفته است. هم از نظر منطقه ای و جهانی هم از نظر داخلی این رژیم در حالت ضعیفتری قرار گرفته است.

برای جنگ و جدال با حکومت یک فاکتور این است که اگر دشمنت ضعیف شده باشد یک موضوع مهمی است که بتوانید به آن تعرض کنید و یا تحت فشار قرار بدهید. به نظر من جمهوری اسلامی امروز از

هر زمان دیگری ضعیفتر است. مسئله دیگر این است که امروز مسئله تامین معیشت به مسئله نود درصد جمعیت ایران تبدیل شده است. بحث این نیست که من دوست دارم مردم متحد باشند. و یا فراخوان میدهم که متحد بودن چیز خوبی است و... بحث علاقه و خواست این حزب و آن جریان نیست. بحث جدال مرگ و زندگی است. بنابر این یک جامعه معترض و به درجه زیادی آگاه نمیتوان شاهد خود کشی اکثریت جمعیت خودش باشد. اوضاع به جایی رسیده است باید متحد شد. مردم ناچارند برای ادامه زندگی و تامین معیشت خود متحد عمل کنند. زیرا جامعه ایران قرنهای جلوتر و متدمن تر از حکومت و قوانین فرهنگ آن است. مردم سهم خودشان را از زندگی و اقتصاد و سیاست میخواهند. این تناقض بزرگی است. یک روز همین تناقض کم سیستم حاکم را میشکند. بنابر این اول مه امسال میتواند نقطه عطفی در این جهت باشد.

کیوان جاوید: ولی پراکندگی هست. قبلا جنبش دانشجویی شعارهای مشخصی داشت مثلا جنبش دانشجویی متحد جنبش کارگری ...

اصغر کریمی: اتفاقا نمونه های مثبت در این زمینه روز بروز دارد بیشتر میشود. روز ۱۰ اسفند در تهران اتفاق جالبی افتاد. بخشی از فعالین کارگری و تعدادی از کارگران پالایشگاه تهران در تجمع معلمان شرکت کردند. هرچند تعدادشان هزاران نفر نبود و بیشتر سمبلیک بود اما این بسار مهم و راهگشا است. همینطور بازنشسته ها و دانشجویان و در برخی شهرها محصلین در تجمع معلمان شرکت کردند. یا در بافق به شکل دیگری این همبستگی اتفاق افتاد. همسران کارگران با دستگیری کارگران در وسط شهر چادر زدند، فرماندار را در دفتر کارش محبوس کردند و گفتند فوراً عزیزان ما را آزاد کنید و در واقع شهر بافق را حول خواستشان متحد کردند. اینها اتفاقات تازه ای است قبلا به این شکل نبود. قبلا هم همسران کارگران در پتروشیمی ها، در هفت تپه و کیان تایر و بعضی اعتراضات دیگر حضور داشتند اما مورد بافق بسیار

صفحه ۶

اول مه امسال در ایران

از صفحه ۵

برجسته بود، ۱۰ اسفند يك نقطه برجسته دیگر از همبستگی بود. در مورد دستمزد هم سال های گذشته اینطور نبود که کارگر و معلم و پرستار برای این خواست متحد به میدان بیایند. اعتصاب کارگران ایران خودرو که يك مرکز بسیار مهم و کلیدی کارگری است و بر کل جنبش کارگری و در فضای سیاسی ایران تاثیر میگذارد نمونه دیگری است.

در چنین شرایطی داریم به استقبال روز جهانی کارگر میرویم. سالهای گذشته با چنین شرایطی مواجه نبودیم. پراکندگی هست اما تلاش برای متشکل شدن و متحد شدن هم هست یا تشکل های کارگری که اطلاعیه مشترک میدهند برای دستمزد. این اتفاقات در شرایطی که جمهوری اسلامی قدرت سرکوبش بسیار کمتر شده است دارد می افتد. جمهوری اسلامی نمیتواند پراحتی جلو تجمعات و اعتصابات را بگیرد فی المثل معلمان در اوایل بهمن و روزهای اول اسفند و ده اسفند و نیمه اول فروردین اعتراضاتی داشتند که جمهوری اسلامی نتوانست مانع آنها شود. جلو اعتصابات کارگری را نمیتواند بگیرد، از هر منفذ این جامعه دارد اعتراض بیرون میزند، و جمهوری اسلامی ضعیف تر از همیشه. در چنین شرایطی داریم به طرف اول مه میرویم.

کیوان جاوید: چه اتفاقی افتاده است و چه کار ویژه ای در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی شده است که ما میتوانیم بگویم امسال قویتر از سالهای قبل هستند؟

محمد آسنگران: کار ویژه ای که من میبینم نیاز زندگی مردم تحت ستم است که آنها را ناچار به تحریک کرده است. مثلاً اگر معلمان را نگاه کنید هزاران نفر به میدان آمدند در حالیکه همین تشکل صنفی را سالهای قبل هم داشتند. منتها هم نیاز زندگی، هم آگاهی از حقوق خود و هم فضای جامعه در هر دوره ای متفاوت است. يك فاکتور مهم سیاسی در ایران این است که تعادل قوا تا حدودی به نفع مردم تغییر کرده است. در جبهه های معینی جمهوری اسلامی تضعیف

شده است. این تضعیف شدن جمهوری اسلامی، تعادل قوا را به نفع مردم ورق زده است. در عین حال مردم توان تحمل زندگی فلاکت بار کنونی را ندارند. زیرا مردم و اقشار پیشرو جامعه ایران توقعشان از زندگی و سهمی که برای خود از زندگی قائل هستند خوانایی با موقعیت و سطح معیشت کنونیشان ندارد.

این ساده نیست که در جامعه ای زندگی کنید که ثروت و منابع طبیعی سرشار داشته باشد و حاکمان میلیارد میلیارد دزدیهایشان افشا بشود، از طرف دیگر کارگر دستمزدش کفاف کرایه خانه اش را هم ندهد و ناچار بشود برای زنده ماندن اضافه کاری و یا شغل دیگری دست و پا کند.

علاوه بر این امکان ارتباط شهروندان با هم با استفاده از میدیای اجتماعی موجود قابل مقایسه با هیچ دوره ای در گذشته نیست. رسانه ها و اپوزیسیون با استفاده از همین امکانات تأثیراتی به مراتب بیشتر از پیش دارند. جنگ جناحهای خود رژیم هم يك فاکتور است که به جان هم افتاده اند. همه اینها را وقتی در کنار هم قرار بدهید فضایی اعتراضی را خلق کرده است که آغاز دوره تازه ای است. و باید این دوره تازه را دریافت.

اینکه میگویید هنوز پراکندگی هست من هم میگویم بله هست، باید برای متحد شدن تلاش کرد این کار ساده ای نیست. اما از هر زمان دیگری عملی تر و ممکن تر است. بالاخره احزابی، تشکلهایی و فعالین و رهبرانی باید بروند با تلاش خود این اتحاد و همبستگی را ممکن کنند.

کیوان جاوید: يك مساله دیگر هم هست. امکان توافق و رفع تحریم ها هست. آیا این تاثیر مثبت برای کارگران و جنبش های دیگر دارد یا منفی؟

اصغر کریمی: همه میدانند و رهبران جمهوری اسلامی هم کتمان نمیکنند که در موقعیت ضعیفی وارد بحث توافقات شدند و حتی راحت برد برد هم نمیتواند بگویند. جمهوری اسلامی داشت کارهایی میکرد جلویش را گرفتند. تحریم ها، فشارها و بویژه ترس از انفجار مردم مجبور شد کوتاه بیاید و البته

انترناسیونال

کار خوبی هم کرد کوتاه آمد. صدها میلیارد دلار پول حاصل استعمار و دسترنج کارگران را صرف تاسیسات اتمی کرد و يك دلیل تحریم ها هم همین مساله اتمی بوده و در نتیجه از هر لحاظی به مردم ضربه زده و سفره مردم را خالی تر کرده است. مردم این عقب نشینی و ضعف حکومت را میبینند اما اینکه مردم چقدر از این شرایط استفاده کنند به عنصر پیشرو، رهبران کارگری و تشکل های کارگری برمیگردد. اگر از این شرایط استفاده نکنند این دوره هم میروید. جمهوری اسلامی خواب این را دیده است که اگر به توافق برسند شروع کند به تشدید ریاضت کشی اقتصادی چون جلب سرمایه به کارگر خاموش و دستمزد کمتر نیاز دارد، یارانه کالاهای اساسی را بیشتر قطع کند و وضع اکثریت مردم از اینهم بدتر شود آنهم در شرایطی که ضعیف تر است و قدرت سرکوب کمتری دارد، وضعیت آشفته تری در صفوف حاکم است و بویژه بخش های مختلف مردم آماده تر و متعرض تر هستند. این فاکتورها شرایط مساعدتری برای اعتراض کارگران ایجاد کرده اند. ممکن است کسی بیپرد که مبارزه علیه اسیدپاشی چه ربطی به اول مه دارد. اما در جامعه ای که در حال اعتراض است کارگر خیلی راحت تر میتواند اعتراض کند. اگر بخش های دیگر جامعه در حال اعتراض نباشند، ساکت و بی تحریک باشند و تسلیم و مرعوب شده باشند، کارگر را هم راحت مرعوب میکنند. اینها همه به هم ربط دارند. کارگران و رهبران تشکل هایشان باید به همه ابعاد این مساله فکر کنند و بر اساس این شرایط تصمیم بگیرند که يك قدم دیگر میتوانند به جلو بردارند و جمهوری اسلامی را عقب بزنند.

کیوان جاوید: شما از دستمزد کم و از درد فقر و ثروت صحبت کردید و میگویید طبقه کارگر الان باید بیاید پاسخ خودش را بدهد. آیا فکر نمیکنید این همه اعدام در ایران مربوط به طبقه کارگر است؟ آیا طبقه کارگر را باید در صنف خودش دید که دلم برای دستمزد بیشتر و حق تشکل و... تلاش میکند یا باید پرچمدار همه اعتراضات جامعه باشد؟

محمد آسنگران: ببینید ما يك بحث

داریم تحت عنوان جنبش کارگری و بحث دیگر هم طبقه کارگر است. اینها یکی نیستند اگرچه جنبش کارگری جنبش این طبقه است. اما هنگامیکه از جنبش کارگری حرف میزنیم داریم از بخش معترض و پیشرو این طبقه حرف میزنیم. این جنبش معلوم است به تمام مسائل جامعه کار دارد. این جنبش نقدش و اعتراضش به کل سیستم سرمایه داری حاکم است. نقدش به بی حقوقی انسان است. استراتژی این جنبش انداختن سرمایه و برپایی يك جامعه آزاد و مرفه و برابر برای کل احاد جامعه است. بنابر این مسئله اعدام، مسئله برابری زن و مرد، مسئله حقوق کودک، مسئله محیط زیست و همه مسائلی که به زندگی انسان مربوط میشود به طبقه کارگر مربوط است و عامل محرکه این ایده ها در طبقه کارگر جنبش کارگری و رهبران و پیشروان این جنبش است.

بنابر این رهبران و فعالین و احزابی که خود را بخشی از طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری میدانند و این سیاستهای انسانی و انقلابی را نمایندگی میکنند میبایند و جامعه را سازمان میدهند و فراخوان میدهند که برای برپایی يك زندگی بهتر باید به میدان آمد و از جمله مقابله با مجازات اعدام یکی از این مسائل است.

اما برای طبقه کارگر و توده های میلیونی کارگران اولین و مهمترین و فوری ترین مسئله تامین معیشت است. در کنار تامین معیشت خود هیچ موضوعی در جامعه نیست که به این طبقه و جنبش کارگری مربوط نباشد. بنابر این مبارزه و اعتراض به بی حقوقی انسان در جامعه چیزی نیست که این و آن از خارج طبقه کارگر به او تزریق کنند. نیاز زندگی و حفظ حرمت و کرامت انسانی است که طبقه کارگر را ناچار به مبارزه میکند. مسئله اعدام هم یکی از آن بیحرمتیهای وحشیانه و نقض حقوق انسانی است که بوسیله حاکمان اعمال میشود و باید در مقابل آن ایستاد.

بنابر این نیاز زندگی و حفظ حرمت انسانی است که طبقه کارگر را ناچار میکند دست به اقداماتی بزند. طبقه کارگر به همین هدف تامین نیازهای زندگی و حرمت

انسانی است که میروید تشکل درست میکند و مبارزه را سازمان میدهد. زیرا دشمن او که حاکمان در هر کشوری هستند سازمان خودشان را دارند. در ایران ارتش و سپاه و زندان و شکنجه و آخوند و سگ و قاضی اسلامی و آدمکش و... را سازمان داده و به شکل ارگانیک و سیستماتیک برای سرکوب شهروندان هر روز خود را قدرتمند تر و باتجربه تر میکنند. طبقه کارگر هم ناچار است برای مقابله با این جانان خود را متشکل کند و به میدان بیاید.

کیوان جاوید: اخیراً حکمی به کارگران داده اند که شما دارید کارگران را تحریک میکنید که متشکل شوند یا اعتصاب کنند و این جرم محسوب میشود. رژیم تلاش میکند جنبش کارگری را از اهدافش دور نگاهدارد. در مقابل این مساله چکار باید کرد؟

اصغر کریمی: روشن است که يك خواست دیگر در دستور کارگران قرار میگیرد که من دارم تلاش میکنم برای متحد شدن و متشکل شدن یا اعتراض کردن و این حق من است و شما حق نداری همکار مرا دستگیر کنی چون رهبر من است، نماینده من است میخواهد مرا متحد کند. اینجا است که باید الگوی مبارزه همسران کارگران معدن در بافق را مقابل جامعه گذاشت. کارگران چادرملو باید بیایند به میدان شبیه همسران کارگران معدن بافق. تا این حکومت هست خواست آزادی رهبران کارگری هم مطرح است چون مدام مبارزه هست و عده ای به زندان میافتند و بنابراین خواست آزادی بدون قید و شرط کل زندانیان سیاسی و عقیدتی و بطور مشخص خواست آزادی کارگران و معلمان زندانی لازم است در هر اعتراض و اعتصابی و در فراخوان ها و بیانیه های تشکل های کارگری و تشکل های معلمان بعنوان یکی از مهمترین خواست ها مطرح شود. اما اجازه بدهید یکی دو نکته مشخص تر را در مورد اول مه که داریم بطرفش میرویم اشاره کنم. من فکر میکنم دانشجو باید بگوید اول مه به من مربوط است و فعالانه در تجمعات اول مه شرکت میکنم. ۹۰ درصد دانشجویان بچه

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

دور جدید مذاکرات و معضل لاینحل رابطه با غرب!

مرگ جمعی پناهجویان: چه کسی مسئول است؟

مانده است اما اختلاف تنها اینجا نیست. در پشت صورت ظاهر مساله هسته ای، آنچه در واقع روی میز قرار دارد رابطه جمهوری اسلامی با غرب است. اظهارات صریح روحانی بعد از توافق لوزان در مورد تنش زدائی با کشورهای متخاصم و اعلام آمادگی اخیر ظریف برای همکاری با "صاحبان منافع در منطقه" مستقیماً به همین مساله رابطه با غرب مربوط می‌شود. رفع همه اصلی اینجاست. رفع همه تحریمها اولین و مبرم ترین خواست جمهوری اسلامی و مورد توافق هر دو جناح است اما در مورد رابطه با غرب خامنه ای و اصولگرایان و دلوپسان، خط و جهتگیری کاملاً مغایر با سیاستهای روحانی - رفسنجانی را دنبال میکنند. در این مورد طرف مقابل دولت روحانی و جناح او نه دولت آمریکا و ۱ + ۵ بلکه خامنه ای و اصولگرایان هستند. رفع تحریمها و توافق جامع هر سرنوشتی پیدا کند، مساله رابطه با غرب موضوع و منشأ حاد ترین کشمکشهای درون حکومتی خواهد بود.

دور جدید مذاکرات هسته ای روز چهارشنبه در وین آغاز شد. مفسرین و ناظرین سیاسی مساله چگونگی رفع تحریمها را مهمترین موضوع مورد بحث در این دور مذاکرات میدانند. علت هم روشن است. در مورد کاستن از تعداد سانتریفوژها و میزان غنی سازی اورانیوم و بازرسی از نیروگاهها و دیگر تمهیدات لازم برای بی آزار کردن پروژه هسته ای و جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای در لوزان باندازه کافی "تفاهم" شده است. اگر پارامترهای اعلام شده در فکت شیت دولت آمریکا در مورد تفاهم لوزان، که بحثهای جنجالی هم در میان جناحهای حکومت دامن زد، در توافق جامع رسمیت پیدا کند هدف غرب برآورده شده است. آنچه میماند لغو تحریمها یعنی تحقق هدف جمهوری اسلامی از مذاکرات است. جمهوری اسلامی خواستار رفع فوری همه تحریمها بعد از توافق جامع است و ۱ + ۵ خواهان رفع تدریجی تحریمها و بعد از اطمینان خاطر یافتن از اجرای گام به گام توافق. این مساله همچنان ناروشن و بلا تکلیف باقی

خود یکی از پیامدها و نتایج سیاست دولتهای آمریکا و اروپاست که نه تنها با استراتژی تامین هژمونی و نظم نوین جهانی میدان را برای افسارگسیختگی نیروهای اسلامی باز کردند بلکه همین امروز خود، بطور مستقیم یا غیر مستقیم، یک پای ائتلافها و جنگهای قومی مذهبی در خاورمیانه و شمال آفریقا هستند.

آمار اعلام شده حاکی است که "هشتاد درصد پناهجویان در سراسر جهان از کشورهای در حال توسعه هستند". و "افزایش درگیری و جنگ در سوریه و عراق و افغانستان" یک عامل موثر در افزایش بیسابقه تعداد مهاجرین در سال گذشته بوده است.

گزارشگر یورونیوز می نویسد: "در نهایت باید به این مسئله هم فکر کرد که اتحادیه اروپا چه مسئولیتی در قبال افرادی دارد که قربانی درگیریهای منطقه ای و رژیمهایی هستند که دولتهای اروپایی از آنها حمایت می کنند". برای یافتن پاسخ فکر چندانی لازم نیست. دولتهای اروپایی از یکسو از رژیمهای ارتجاعی حمایت میکنند و از سوی دیگر مرزها را بروی قربانیان این رژیمها می بندند. سیاست دولتهای غربی در قبال دولتها و نیروهای قومی مذهبی در "کشورهای در حال توسعه" را باید درکنار سیاستهای ارتجاعی آنان در رابطه با پناهنده پذیری - که خود یک عامل مستقیم گرم شدن بازار قاچاقچیان انسان و رخ دادن فجایعی نظیر غرق شدن کشتی پناهجویان است - قرار داد تا تصویر روشنی از زمینه های سیاسی این فجایع بدست آورد. مهاجرت و پناهنده گری در کته خود یک مساله سیاسی است و فجایعی که در این رابطه رخ میدهد را باید پهای دولتهای فوق ارتجاعی که در کشورهایی نظیر ایران شرایط زندگی غیر قابل تحملی برای مردم ایجاد کرده اند، و سیاستهای ارتجاعی دولتهای غربی هر دو نوشت.

"در سال ۲۰۱۴ نزدیک به ۱۷۰ هزار پناه جو از طریق آبهای مدیترانه خود را به سواحل ایتالیا رسانده اند. بیش از ۲۵۰۰ نفر در این مسیر، به دلایل مختلف دچار سانحه شده و در دریا غرق شده اند".

یورونیوز این آمار تکانهنده ای است که هفته گذشته بعد از فاجعه غرق شدن نزدیک به هشتصد نفر مهاجر در مدیترانه در رسانه ها منعکس شد. ۲۵۰۰ نفر در طی یکسال! بعضی رسانه ها این رقم را تا ۵۰۰۰ نفر ذکر کرده اند. اما حتی بر مبنای کمترین رقم حداقل ۷ نفر در روز در تلاش برای رهائی از جنگ و دیکتاتوری و نا امنی اقتصادی و سیاسی در کشورهايشان در آبهای مدیترانه غرق شده اند. در سال جاری نیز تا کنون بالغ بر ۱۶۰۰ نفر از مهاجرین در همین مسیر جان خود را از دست داده اند. اگر این روند ادامه پیدا کند تعداد قربانیان در سال جاری نزدیک به دو برابر سال گذشته خواهد بود. و این تنها آمار رسمی و اعلام شده در مورد مهاجرین به یک کشور اروپایی است.

به گزارش خبرگزاریها تعداد پناهجویان در سال گذشته بیش از ۵۰ میلیون نفر بوده است که بالاترین تعداد بعد از جنگ دوم جهانی است. آماری از تعداد مهاجرینی که در طی مسافرت یا در اردوگاههای پناهنده گری جان خود را از دست میدهند در دست نیست اما تعداد قربانیان هر چه باشد بشریت با یک فاجعه تکانهنده روبروست. نفس این موج عظیم مهاجرت و سیر صعودی آن بیانگر سیر نزولی و بدتر شدن روز افزون شرایط مشقت بار زندگی در بخش وسیعی از کشورها است. اکثریت این پناهجویان از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، یعنی از جوامعی هستند که جنگهای مذهبی - قومی بین نیروها و دولتهای اسلامی در آنها بیداد میکند. این شرایط به نوبه



اول مه

و اخلال در نظم سرمایه!

کارگری روی می آورند. اما نگرانی رژیم تنها به اول مه محدود نیست. اعتصابات و اعتراضات و تجمعات بیوقفه کارگران برای مطالبات بر حقشان در چند ماه اخیر گسترش بیسابقه ای یافته است و علت اصلی بگیر و ببندهای اخیر در اینجاست. بنا به گزارش کمپین برای آزادی کارگران

به گزارش "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در هفته های اخیر بازداشت فعالین کارگری شدت یافته است. این شیوه ای است که حکومت اسلامی سرمایه به استقبال اول مه میرود. از یکسو هفته کارگر میگیرند و برنامه بازدید از مقبره خمینی ترتیب میدهند که اول مه را مخدوش و حاشیه ای کنند و از سوی دیگر به بازداشت و دستگیری فعالین جنبش

های کارگر و زحمتکش هستند.

دوم اینکه روزهای مثل اول مه روزهای مهمی هستند. ببینید الان روزهای اعیاد ارتجاعی، روز مرگ خمینی، روز تولد فلان امام و روز به معراج رفتن مسیح و سفر محمد از یک شهر به یک شهر دیگر و انواع این روزهای عقب مانده و ارتجاعی را داریم. بشریت مرفقی و آرمانخواه هم باید بگوید منم روزهای دیگری دارم. روز اول مه که پشت سالهای طولانی تلاش طبقه کارگر برای یک زندگی بهتر است، یا هشت مارس روز جهانی زن، روز جهانی دفاع از حقوق کودک، ما هم باید این روزها را برجسته کنیم. دانشجو باید بگوید منم خودم را به اردوی کارگر متعلق میدانم و روز جهانی کارگر به من مربوط است در مقابل مفتخورانی که زندگی مرا به اسارت گرفته اند باید کاری بکنم. معلمان هم همینطور. این در قدرت معلمان هست. نشان دادند که در توانشان هست. باید بگویند این روز روز ما هم هست. کانون صنفی معلمان باید برای اول مه فراخوان بدهد و بگوید این روز خواست هایمان را با صدای بلند اعلام میکنیم. بگوید معلمان و کارگران زندانی را آزاد کنید. حق تشکل داریم کسی نباید جلو فعالیت مان را بگیرد. افزایش حقوق میخواهیم بالاتر از خط فقر، از همین الان فراخوان بدهند و از خواست های بقیه کارگران هم حمایت کنند. کارگران چادرمو و بافق که ده روز و بیست روز اعتصاب میکنند یا کارگر ایران خودرو که برای دستمزد اعتراض میکند در قدرتت هست که بگوید اول مه روز من است و راهپیمایی میکنم یا میتینگ برگزار میکنم. این روز کارگران تمام دنیا دست به اعتصاب و راهپیمایی میزنند منم میخواهم اینکار را بکنم. به یک معنی تمام جامعه باید خودش را آماده کند.

کیوان جاوید: فکر نمیکنید گرایش و یا دیدگاه خاصی مانع این است که بخشهای مختلف جنبش کارگری و مردم معترض و زنان و دانشجویان ... با هم متحد بشوند؟

محمد آسنگران: واقعیت این است که جنبش کارگری هم مثل هر جنبش دیگری گرایشهای مختلف و نگرشهای مختلف و تشکلهای مختلف در آن هست. به نظر من این طبیعی ترین داده های جامعه است. منم شنیده ام که کسانی میگویند این پراکندگی از آنجا می آید که این تشکل و یا آن فعال کارگری سکتاریست است. یا مثلاً تحلیلش نادرست است و غیره. این به نظرم سطحی ترین برداشتی است که از سوخت و ساز درون جنبش کارگری ارائه داده میشود. به نظر من در بهترین حالت و آزاد ترین موقعیت هم تشکلهای مختلف و گرایشهای مختلف وجود خواهند داشت. حالا که آزادی در ایران نیست تشکلهای موجود عمدتاً تشکلهای فعالین هستند. ما هنوز یک تشکل توده ای کارگری نداریم. من با این توهم شریک نیستم که بگویم این تشکلهای چرا یکی نیستند و یا فراخوان بدهم بروند یکی بشنود.

اما این توقع واقعیت است که بخواهیم بر سر یک موضوع همه گیر متحدانه و در کنار هم به اقدام مشترک دست بزنیم. هنگامیکه یک موضوع مهم و همه گیر در جامعه وجود دارد مانند امروز ایران و بحث تامین معیشت برای نود درصد جامعه به موضوع مهمی تبدیل شده است، از کمونیستش تا سندیکیالیستش از امکانگرا تا اصلاح طلبش، حتی از ناسیونالیست تا اسلامیتش را به تکاپو انداخته است. زیرا موضوع تامین معیشت امروز در ایران به افکار و گرایش و تشکل و حزب مورد علاقه این و آن محدود نیست کل آحاد جامعه با یک فقر عمومی دست به گریبان شده است.

زیرا سیستمی در ایران حاکم است که زندگی اکثریت عظیم آن جامعه را به زیر خط فقر رانده است. سیستمی خشن که هر مخالفتی را با خشونت تمام پاسخ میدهد. در مقابل این توحش حاکم که عملاً همه اقدار و گرایشهای مختلف جامعه خارج از حاکمیت را تحت فشار قرار داده است میشود در کنار هم قرار گرفت. زیرا خواست و مسئله تامین معیشت در ایران به یک موضوع همگانی تبدیل شده است. میتوان انتظار داشت که همه گرایشهای درون جنبش کارگری و تشکلهای و فعالین

آن با هر تفکر و دیدگاهی که دارند فراخوان مشترکی بدهند و جامعه را به یک کارزار اجتماعی در دفاع از زندگی و حرمت انسانی همه شهروندان دعوت کنند. در عین حال اختلاف گرایشها میتواند همچنان به قوت خود باقی بماند و حتی عمیقتر و پایه ای تر از این که هست هم باشد.

با این توضیحات میخواهم این واقعیت را هم تاکید کنم که در درون جنبش کارگری همانند جنبش چپ گرایشهای سنتی و بازدارنده و محدود نگر وجود دارد این یک واقعیت است. اما مانع اتحاد و تشکل و قدرتمند شدن اینها نیستند. مانع اصلی تا به امروز همچنان سیستم حاکم و دولت و قوانین حاکم هستند. نباید سوراخ دعا را گم کرد. کسانی که بیبریطی خود به طبقه کارگر را میخواهند به گردن این یا آن تشکل و فعال کارگری بیندازند راه به جایی نمیرند. اتفاقاً در میان جریانهای چپ کسانی که بیشتر از همه از درد سکتاریسم آه و ناله میکنند خودشان از همه سکت تر و فرقه ای تر هستند.

از این که بگنوم یازدهم و دوازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر و روز معلم است. در این دو روز و روزهای بعدش میشود فراخوان اقدام مشترک و هماهنگ را تدارک دید. باید تلاش کرد در این روزها کارگران و معلمان و پرستاران و بیسکاران و همه ستم دیدگان و آزادیخواهان در کنار هم و متحدانه به میدان بیایند.

کیوان جاوید: چه کار ویژه ای باید کرد تا این مانع را برداشت؟

اصغر کریمی: یک نکته مشخص در جنبش کارگری وجود شوراهای اسلامی است. یک مانع اتحاد کارگر و معلم و غیره همین شوراهای اسلامی هستند. که هم جلو اتحاد کارگران را میگیرند هم در مورد دستمزد سازش میکنند چون نماینده و دلسوز حکومتند نه کارگر، کارگران باید تکلیف اینها را روشن کنند. اینها زهر خودشان را هر روز به کارگران میزنند. وابسته و ابزار دست دولت هستند و دستشان هم بازتر است. اما حتی دولت نماینده های شوراهای اسلامی را هم دستگیر میکند که باید برای آزادی آنها هم اعتراض کرد اما کارگران باید بگویند اینها نماینده ما نیستند. در کانون صنفی معلمان هم گرایشی

هست که نماینده واقعی معلمان نیست نه خواست های عمیق معلمان را بیان میکند نه تلاش میکنند که معلمان با کارگران و بقیه مردم معترض متحد شوند. اما در میان معلمان گرایش خیلی قوی هم هست که خواست های رادیکالی دارد، اتحاد همه را میخواهد و اینها هستند که باید کانون صنفی را نمایندگی بکنند چه در سطح سراسری و چه در شهرها. همین مساله در مورد پرستاران هم صادق است. نکته دیگر اینکه باز هم تاکید من این است که تشکل های کارگری، کانون صنفی معلمان و تشکل پرستاران بعنوان یک اقدام مشخص میتوانند به مناسبت اول مه یک پلانتفرم مشترک بدهند سرخواست هایشان و این الگویی میشود برای اتحاد کل جامعه و بقیه جامعه را فراخوان بدهند که همه از این خواست ها حمایت کنند. خواست های آنها هم خواسته های ۹۰ درصد جامعه است.

کیوان جاوید: در ایران هزاران کارگر افغان بیحقوق و تحت فشار قرار دارند آیا در حمایت آنها و برای متحد شدن آنها با طبقه کارگر ایران کار ویژه ای در اول مه باید بشود؟

محمد آسنگران: متأسفانه ما اکنون ناچار میشویم بگویم کارگران غیر ایرانی و یا افغان هم در ایران هستند و چکار باید کرد و در حالیکه در یک جامعه نرمال آنها بخشی از طبقه کارگر هستند و باید بخشی از جنبش کارگری باشند. زیرا عملاً آنها شهروندان آن جامعه هستند.

هنگامیکه در یک جامعه کار می کنید در کنار کارگران آن جامعه قرار میگیرید و منفعت مشترکی دارید. همچنانکه دولتها و سرمایه داران یک منفعت مشترک جهانی دارند و هر سرمایه داری در هر کشوری منافع مشترکی با سرمایه داران آن کشور دارد.

گفتم ناچاریم اکنون از کارگر افغان حرف بزنیم زیرا علاوه به بیحقوقی کارگران ایرانی که شامل آنها هم میشود، کارگر افغان بیحقوقی مضاعف تری را هم به جرم غیر ایرانی بودن ناچار است تحمل کند. این بی حقوقی از سه جهت به شهروندان غیر ایرانی قابل مشاهده است. از طرف کارفرما، دولت و گرایشهای راست و نژاد پرست ایرانی. از این سه زاویه علیه انسانهای

زحمتکش "غیر ایرانی" بی حقوقی و بی حرمتی اعمال میشود. کارگرانی که در آن جامعه تولید میکنند و کار خدماتی میکنند و سختترین کارها را اتفاقاً همین کارگران "غیر ایرانی" انجام میدهند. همین کارگرانی که دارند آن جامعه را میسازند و نیروی کارشان را میفرورشانند از جمله بی حقوق ترین انسانها هستند. این بخش از شهروندان ایران علاوه بر تمام فشارها و بیحقوقیهای تحمیل شده به آن جامعه ناچارند به "جرم افغان بودن" و غیر ایرانی بودن "فشارهای دیگری را هم تحمل کنند.

به نظرم جنبش کارگری که پرچمدار رهایی کل جامعه است باید با دقت بسیار بیشتری و با حساسیت بسیار بیشتری به این بخش از هم طبقه ایهای خودش توجه کند و با تمام قدرت از حقوق و حرمت انسانی آنها دفاع کند. نه تنها در روز اول مه بلکه هر روز باید در محل کار و زیست و در کل جامعه دست به کار تغییر فرهنگ و سیاست و قوانینی شد که حقوق شهروندی این شهروندان زحمتکش را نقض میکند.

کیوان جاوید: یک مانع تبعیض جنسیتی در میان کارگران است. این مساله را چگونه توضیح میدهید؟

اصغر کریمی: یک روند مثبت و یک پیشروی هم دارد شکل میگیرد. زنی که در مقابل اسپدپاشی اینطور تظاهرات قهرمانانه به راه می اندازد دارد این پیشروی را نشان میدهد. ۹۰ درصد جامعه زیر خط فقر زندگی می کنند، و اکثر زنان هم متعلق به طبقه کارگر و این بخش از جامعه هستند و باید نقش بسیار فعال تری در اعتراضات کارگری ایفا کنند. تاثیر آنها را در بافق توضیح دادم و یا اخیراً در کارخانه کنتورسازی ایران در شهرستان البرز که همسران کارگران به کارخانه رفتند و همراه با کارگران این مرکز دست به تجمع اعتراضی زدند و کارفرما را وادار کردند همان روز دو ماه حقوق معوقه را بپردازد.

کیوان جاوید: برنامه ما به پایان خودش نزدیک میشود اگر پیامی دارید میکروفون در اختیارتان است

محمد آسنگران: مرسی از وقتی که در اختیار من گذاشتید. نکته ای که باز هم میخواهم تاکید کنم این است

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

روز جهانی کارگر روز قدرت نمایی طبقه کارگر است

روز جهانی کارگر روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه سیستم حاکم سرمایه داری به نمایندگی از سوی کل جامعه است. روز به میدان آمدن و مبارزه علیه فلاکت همه جانبه و تحمیل شده سیستم حاکم در ایران از سوی رژیم اسلامی و نهادهای ضد کارگریش است. افزایش دستمزدها، برون رفت از وضعیت اقتصادی زیر خط فقر، ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت بعنوان تنها مکانیزم دفاع از خواست و مطالبات کارگران و آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در راس دهها مطالبه ای است که حاکمیت و نهادهای سرکوش آنرا زیر پا گذاشته اند. کارگران اعلام کرده اند تاوأم این فلاکت اقتصادی و اوضاع معیشتی چند برابر زیر خط فقر که نودونه درصد مزدبگیران جامعه را

شامل میشود بیش از این قابل تحمل نیست. این کیفرخواست کل جامعه علیه سیستم و نظام حاکم است و باید برای برون رفت از این فلاکت به میدان آمد.

هر سال بمناسبت روز جهانی کارگر نهادهای رژیم در شهرهای کردستان و دیگر شهرهای ایران دست به اقدامات پیشگیرانه ای نظیر احضار، پیرونده سازی و بازداشت فعالین کارگری میزنند تا بحیال خود از برگزاری روز جهانی کارگر جلوگیری کنند. جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوش این را هم بخوبی میدانند که کارگران و مردم بستوه آمده از اوضاع و شرایط سخت تحمیل شده و دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، تحت هیچ عنوانی کوتاه نمی آیند، آنرا نمیپذیرند و با جوش و خروش در اعتراض به این وضع به خیابان خواهند آمد. حاکمان

رژیم اسلامی میدانند اگر فضا را امنیتی نکنند توده های میلیونی کارگران و مردم محروم و ستم دیده در شهرهای کردستان و در سراسر کشور به خیابان می آیند تا علیه جهمی که مفتخوران حاکم برای اکثریت مردم درست کرده اند دست به اعتراض بزنند و کیفرخواست خود را علیه بانیان این جهنم به همگان اعلام کنند. تجمعات و اعتراضات مداوم کارگران و حضور چشم گیر، گسترده و هزاران نفره معلمان در شهرهای کردستان و در سراسر کشور و التیماتوم معلمان برای برگزاری تجمعات و اعتراضات در روز معلم، نوید بخش حضور گسترده تمامی مزدبگیران در روز جهانی کارگر است. چند روز مانده به روز جهانی کارگر جامعه متوجه شده است که کارگران و تشکلهای کارگری و عزمشان را برای به میدان آمدن و

اعتراض به وضع موجود اعلام کرده اند. همین حد از تحرك در میان فعالین و تشکلهای جنبش کارگری، اعتراض و تجمعات معلمان، پرستاران و بازنشستگان، سران و مقامات جمهوری اسلامی را به شدت نگران کرده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری خود را همصدا و در صف اول مبارز و اعتراض جنبش کارگری برای برپایی جامعه ای آزاد و مرفه و برابر میدانند. ماعلیه دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و تهدید و احضار فعالین کارگری توسط نهادهای رژیم، مصمم و قاطعانه از اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان و همه مردم آزادیخواه حمایت میکنیم. ما همه مردم آزادیخواه و زحمتکش را دعوت میکنیم که در یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر و

متعاقب آن در دوازدهم اردیبهشت روز معلم در صفی متحد، متشکل و گسترده به میدان بیایند. ما اطمینان داریم که فعالین و تشکلهای کارگری همراه با مردم آزادیخواه روز جهانی کارگر را شایسته تر از هر سال برگزار خواهند کرد. کمیته کردستان حزب از همه فعالین و رهبران کارگری، تشکلهای کارگری، معلمان و پرستاران و مردم شریف میخواهد برای عملی کردن مطالباتشان متحدانه به میدان بیایند و به اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی اعتراض کنند و خود را برای حضور گسترده در خیابان ها در روز جهانی کارگر آماده کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ اردیبهشت ۹۴
۲۱ آوریل ۲۰۱۵



خود سوزی راه نیست! باید بساط سرمایه داران و حکومت اسلامیشان را به آتش کشید!

سال ۹۳ با خودسوزی یونس عساکره پدر دو کودک، دستفروش جان به لب رسیده در سالن شهرداری خرمشهر به پایان رسید. او بعد از چند روز جان باخت. سال ۹۴ با خودسوزی حمید فرخی، پدر سه فرزند، دستفروش جان به لب رسیده دیگر در مقابل سالن شهرداری منطقه ۸ تبریز آغاز شد. حمید هم همین دیروز بعد از تحمیل یک هفته درد جان باخت.

هر دو این کارگران با دستفروشی نان خانواده شان را تامین میکردند. و هر دو وقتی اقدام به خود سوزی کردند که شهرداری سرمایه داران اسلامی از تنها امید زنده ماندن یعنی دستفروشی محرومشان کردند. یونس بعد از بارها تخریب دهکده میوه فروشی اش وقتی با جواب رد شهرداری برای کسب جواز مواجه میشد خود را به کام آتش میسپارد. حمید وقتی برای بازپس

گیری بساطش به شهرداری مراجعه میکند و با جواب منفی و تمسخر ماموران شهرداری روبرو میشود خود را به آتش میکشد.

معاون استاندار خوزستان با وقاحت کم نظیری اقدام یونس را "غیرانسانی و غیرشرعی" اعلام کرده بود. سایت اصولگرایی به نام آناج هم با وقاحتی مشابه، حمید را "فردی که حتما به لحاظ روانی دارای مشکلات زیادی بوده" معرفی کرد که مرتکب کاری "غیر قانونی" و غیرقابل دفاع" شده است! از مقامات و بلندگوهای حکومتی که خود مسبب این اتفاقات جانگداز است انتظاری جز این درجه از خونسردی بیشرمانه در مقابل درد و رنج کارگران نیست.

تشییع جنازه یونس به تجمع اعتراضی گسترده علیه حکومت اسلامی با شعار "ما همه یونس هستیم" تبدیل شد. دفاع مردم از حق

انسانی یونس عساکره و اعتراض به دولتی که مسئول مستقیم قتل او بود آنچنان گسترده بود که رژیم از ترسش مجبور شد نیروهای امنیتی اش را برای مدتی در خیابانهای خرمشهر نگه دارد. تردیدی نیست که نیروهای امنیتی حکومت اسلامی به هر نیرنگ و تهدیدی که بلند متوسل شده اند تا تشییع جنازه حمید هم به نمایش اعتراضی علیه رژیم تبدیل نشود.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری، ضمن تسلیت صمیمانه به خانواده این دو کارگر جانبخته اعلام میکند که قاتل مستقیم این کارگران، حکومت سرمایه داری اسلامی است. نظامی که از یکطرف بیکاری و فقر و بی تأمین را بر اکثریت عظیمی از جامعه تحمیل کرده است و از طرف دیگر با بی اعتنائی و بیرحمی تمام حتی

کوچکترین منفذهای امرار معاش و کوچکترین درجه های امید را هم در مقابلشان می بندد.

کارگران بیکاری که به دستفروشی روی آورده اند،

مسبب خودسوزی یونس عساکره و حمید فرخی استیصالی است که حکومت اسلامی بر این عزیزان تحمیل کرده است اما باید با صدای بلند اعلام کنیم که خودسوزی راه نیست. سران این حکومت که در طول بیش از سی سال عمر نکبت بارشان امیدها و آرزوها و آینده میلیونها انسان را آتش زده اند، با خودسوزی نه تنها دو نفر بلکه حتی دهها نفر هم حتی خم به ابرویشان نمی آید.

کارگران دستفروش، فقط با اعتراض متحدان میتوانیم از حق کار و زندگی و حرمت

انسانیمان در مقابل چپاولگران حاکم دفاع کنیم. فقط با اعتراض متحد، اعتراضی که از حمایت خانواده ها و سایر کارگران و مردم عدالت طلب و آزادیخواه برخوردار است میتوانیم یاس و ناامیدی را که جان دردمند کارگران دستفروش را خاکستر میکند به امید و اعتراض و آتشی سوزان تبدیل کنیم و بساط حکومت سرمایه داران اسلامی را بسوزانیم و نابودش کنیم.

نابود باد حکومت اسلامی سرمایه داران

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
اول اردیبهشت ۱۳۹۴،
۲۱ آوریل ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

اول مه و ...

از صفحه ۷

زندانی در دو هفته اخیر ده نفر از فعالین کارگری بازداشت شده و یا به حبس و شلاق محکوم شده اند. "جرم" آنها اخلال در نظم اعلام شده است. خانه کارگرها و دیگر ایادی رژیم در جنبش کارگری همواره تلاش کرده اند با

تاکید بر صنفی و قانونی بودن مطالبات کارگران از اتهام اخلال در نظم تبری بجویند اما اخلال در نظم سرمایه جرم نیست، فضیلت است. روز جهانی کارگر روز بچالش کشیدن نظم سرمایه و خواست آزادی همه فعالین جنبش کارگری است که جرمی بجز مبارزه علیه این نظم ضد انسانی ندارند. *

۲۵ هزار امضا در اعتراض

به تخریب فضای سبز زندگی!

است. مردم برای حفظ يك حاشیه امنیتی، مساله را در چارچوب فضای سبز مطرح میکنند اما نفس ازدیاد مسجد و امازاده و دارالقرآن که مثل قارچ از زمین سبز میشود نه تنها فضای سبز بلکه فضای تنفس جامعه را تنگ کرده است. آنچه برای حکومت و کله های حزب الهی اش نظیر عشاق المهدی جزو مقدسات است برای جامعه و توده مردم سم است. برای حفظ محیط زیست باید جلوی ساختمانسازی در فضای سبز را گرفت اما حفظ و حراست از نفس زندگی جز با ریشه کن کردن مذهب از دولت و زندگی اجتماعی ممکن نیست.

در اخبار بود که اهالی شهرک اکباتان در اعتراض به ساختن دارالقرآن در این شهرک طوماری با ۲۵ هزار امضا تهیه کرده و در برابر شورای شهر تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. دارالقرآن کذائی قرارست از طرف گروهی بنام عشاق المهدی در محوطه ای که به فضای سبز شهرک اکباتان تخصیص یافته ساخته بشود و اعتراض مردم اینست که این امر به تخریب فضای سبز و آلودگی بیشتر محیط زیست کمک خواهد کرد. اما فضای سبز بیشتر پوشش امنیت طرح مساله از جانب مردم است تا علت واقعی آن. علت واقعی آلودگی زندگی اجتماعی از جانب نهادهائی نظیر دارالقرآن

اول مه امسال در ایران

از صفحه ۸

که کلید تغییر این شرایط سخت زندگی و بهبود این شرایط به نفع مردم و جنبش کارگری و علیه دولت و سرمایه داران امروز به این گره خورده است که چقدر میتوانیم متحد و یکپارچه به میدان بیاییم. اولین قدم شاید از همینجا آغاز بشود که تشکلهای موجود فراخوان و عمل مشترک و هماهنگ را در اول مه وظیفه خود بدانند. اتحاد خودشان را سرمشق اتحاد همه کسانی قرار بدهند که قرار است با نیرو قدرت آنها جامعه را متحول کنند.

اگر همین تشکلهای موجود کارگری، معلمان و پرستاران و ... همراه با فعالین مراکز کارگری بتوانند اقدام مشترک و یا هماهنگی را فراخوان بدهند بدون شك يك قدم

جدی رو به جلو خواهد بود.

کسیوان جاوید: کار خاصی صورت گرفت که این اتفاق افتاد؟

اصغر کریمی: بنظر من قبل از هرچیز مربوط به پیشروی زنان و جامعه است که دارد عقب ماندگی ها را پشت سر میگذارد. جامعه دارد مدرن تر میشود و سنت های عقب مانده و مذهبی را کنار میزند. کانال جدید هم که مدام روی این فرهنگ تاکید میکند تاثیر ملموسی داشته است. ولی کل جامعه دارد نمونه های مثبتی ارائه میدهد و این بسیار مهم است و راه پیشروی بطرف مبارزات توده ای و اجتماعی را بازتر میکند.

کلیه مساله هم رهبران و تشکل ها هستند و کار آنها بر کل جامعه تاثیر میگذارد. تشکل های موجود علیرغم اینکه تشکل های توده ای کارخانه ها نیستند اما در کارخانه ها و مراکز کارگری نفوذ دارند، چهل هزار امضا جمع میکنند، بارها

رهبرانشان به زندان میافتند و امروز صدها رهبر کارگری شناخته شده داریم که يك نقطه قوت مهم جنبش کارگری و کل جامعه هستند و علیرغم هر اختلافی که داشته باشند میتوانند نقش مهمی ایفا کنند. نه تنها بیانیه مشترک بدهند بلکه يك بند بیانیه شان میتوانند خطاب به جامعه، به دانشجویان و کل مردم باشد که از آنها و خواست هایشان حمایت کنند. اول مه باید رنگ و بوی دیگری بگیرد. اول مه به دانشجویان، بخش روشنفکر جامعه، هنرمندان و نویسندگان، فعالین ملیای اجتماعی، به همه اینها مربوط است و انتظار می رود نقش و سهم خودشان را ایفا کنند و اول مه را به يك روز بزرگ در مقابل روزهای ارتجاعی و مذهبی که جمهوری اسلامی دامن میزند تبدیل کنند.

آزاد باید گردد، برابری زن و مرد، کارگران غیرایرانی، کارگران افغانستانی شهروندان مستواوی الحقوق جامعه اند، کار کودکان ممنوع، بیمه بیکاری برای همه، طب و درمان رایگان، تحصیل رایگان برای همه و ... داد.

اول مه میتواند روز قدرت نمایی طبقه کارگر به عنوان نماینده توده های عظیم مردم در برابر توحش سرمایه داری حاکم باشد که نوید جامعه ای آزاد، برابر و انسانی را میدهد. اول مه میتواند سرآغازی باشد برای به میدان آمدن صف آزادیخواهی و برابری طلبی در اوضاع متحول سیاسی امروز و پایان دادن به یخخت جمهوری اسلامی در ایران. با تمام قدرت به استقبال این روز برویم.

فقر می تواند همگام و متحد در تجمعاتی که به این مناسبتها برگزار میشوند بار دیگر بمیدان آمده و در قامتی گسترده و قدرتمند با برافراشتن پرچم مطالباتی خود روز جهانی کارگر و روز معلم را هرچه با شکوهتر برگزار کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۲۷ فروردین ۹۴
۱۶ آوریل ۲۰۱۵

اول مه امسال

و حکومت اسلامی

از صفحه ۳

اما نکته قابل توجه دیگر در مباحث مربوط به هفته کارگر حکومت اسلامی، باز هم نکته ای از سخنان محبوب رئیس "فراکسیون کارگری" مجلس فاشیست اسلامی است. او در سخنانش در رابطه با روز جهانی کارگر با گفتن اینکه سهل انگاری در رابطه با حضور کارگران "غیر ایرانی" باعث بهم خوردن رابطه عرضه و تقاضا در بازار کار شده است، بر سیاست فاشیستی رژیم اسلامی، در قبال این کارگران و بطور مشخص کارگران افغانستانی تاکید میگذارد.

بدین ترتیب پیام کارگر رژیم و محبوب فاشیست به کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر بیعت با جمهوری اسلامی و اقتصاد مقاومتی و سیاست های ریاضت اقتصادی حکومت است. پیام هفته کارگر حکومت اسلامی، تحقیر و توهین آشکار به کارگران است. پاسخ این گستاخی را باید با برگزاری هر چه با شکوه تر اول ماه مه و با اعلام کیفی خواست خود علیه توحش حکومت سرمایه داری حاکم و با شعار معیشت منزلت حق مسلم ماست، داد. با اتحاد سراسری حول خواست های فوری چون افزایش دستمزدها بالاتر از خط فقر، آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، نه به اعدام، زندانی سیاسی

داده و با کف زدن مورد حمایت قرار دادند.

جوش و خروش هزاران نفره معلمان در سراسر کشور برای برخورداری از يك زندگی انسانی، خواست کل جامعه است. دهها مطالبه معلمان و در راس آنها خواست افزایش حقوق ها و آزادی معلمان زندانی تنها با تداوم تجمعات و اعتراضات گسترده و متحدانه معلمان و حمایت بخشهای مختلف مردم از آنان میسر است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به همه معلمان درود میفرستد و از خواست و مطالبات برحق آنان حمایت میکند. افزایش دستمزدها يك مسئله محوری و عمومی برای نیروی کارکن در جامعه است. یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر و دوازدهم اردیبهشت روز معلم در راه است. در این دو مناسبت، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارمندان و دیگر مزدبگیران چند برابر زیر خط

تجمعات اعتراضی معلمان در شهرهای کردستان

روز پنجشنبه ۲۷ فروردین هزاران نفر از معلمان شهرهای سنندج، مریوان، سردشت، بوکان، کامیاران، سقز، قروه، پاوه و ... با دیگر معلمان سراسر کشور که در اقدامی هماهنگ و از طریق شبکه ها و میدیای اجتماعی اطلاع رسانی شده بود دست به تجمعات اعتراضی زده و برای بار دوم خواهان تحقق خواست و مطالبات خود شدند. در

تجمعات اعتراضی معلمان در سنندج خانواده های دانش آموزان نیز از این تجمع حمایت کردند. معلمان با در دست داشتن پلاکارتهایی مبنی بر "افزایش حقوق ها، آزادی معلمان زندانی، معلم بیدار است از تبعیض بیزار است و معیشت همراه با منزلت"، به سخنرانی تنی چند از معلمان که بر خواسته های بر حق و انسانی اشان تاکید داشتند گوش فرا

از ما میپرسند؟

اعدام در همه جا ضد انسانی است و باید لغو شود، اما ویژگی اعدام در ایران چیست؟

شنبه ۲۵ آوریل همه جا علیه اعدامها در ایران با تمام قوا در برابر اعدامها بایستیم!

مینا احدی:

ویژگی مهم اعدام در ایران است که لیست بلند بالایی از بی گناهان را اعدام میکنند. اعدام بی خدایان، اعدام فعالین سیاسی و منتقدین حکومت، اعدام بهایی ها و معتقدین به مذاهب دیگر، اعدام همجنسگرایان، اعدام ویلاگ نویسان و ..

در ایران اعدام مکانیزم "دفاع از جامعه" نیست، چیزی که در بسیاری از کشورهای مدافع اعدام در افکار عمومی جا انداخته اند.

در برخی از کشورهای دارای قانون اعدام میگویند قاتل را اعدام میکنیم تا قتلی اتفاق نیفتد. در ایران نظام برای دفاع از خود میکشد. از روز اول با اعدام وایستگان رژیم شاه که به دستشان افتادند، و سپس اعدام هزاران فعال سیاسی و انقلابی و در ادامه با اعدام منتقدین و مخالفین این حکومت و بی خدایان و یا همجنسگرایان و معتقدین به مذاهب دیگر، اعدام متهمین مواد مخدری و ... حکومت اسلامی میکشد تا بماند.

اگر توافق هسته ای میکنند، سراغ محکومین به اعدام میروند، اگر جام زهر پایان جنگ ایران و عراق را سر میکنند سراغ زندانیان سیاسی رفته و میکشد. اگر در شهری جوانان در آستانه شورش هستند و یا در استانی مردم اصلا اینها را قبول

ندارند، مثل کردستان بیش از همه جا در آنجا میکشند، یعنی حکومت هر گاه و در هر شهر و یا استانی که احساس میکند موقعیت اش به خطر افتاده میکشد.

پرونده های مربوط به قتل و جنایت نیز در ایران درست بررسی نمیشود. آثار جرم و بررسی زمینه ها و علل يك قتل و دادن امکان به متهم که بر اساس حقایق پرونده از خود دفاع کند، در ایران امکان پذیر نیست، فورا يك نفر را به عنوان قاتل معرفی کرده و اگر يك قتل افکار عمومی را تحریک کرده باشد مثل قتل کودکان و یا تجاوز به افراد، در ملا عام اعدام میکنند برای ساکت کردن جامعه و برای نشان دادن قدرتی خودشان، هدف همانگونه که گفتم دفاع از مردم و ایجاد امنیت نیست، هدف نشان دادن قدرت حکومت است. کما اینکه قبل از کشتن يك نفر در ملا عام معمولاً از بلندگو میگویند تشکر از نیروی انتظامی!!

در ایران باج بگیرهای خیابانی و کسی را که برای تهیه پول داروی مادرش دزدی کرده، فورا دستگیر و بعد از دو روز اعدام میکنند اما در مورد دزدان میلیاردری درون حکومتشان که پرونده علنی شده، حتی بررسی و پرونده سازی هم نمیکند.

در ایران سیستم قضایی بر اساس همان قوانین کذایی اسلامی حقوق اجتماعی و رفاهی کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و مردم محروم که با جلال و مبازره به دست آمده است چوب حراج میخورد. این منطق سرمایه است.

آنها همه چیز و منجمله موسسات تامین رفاه اجتماعی را به دست بیرحم بازار میسپارند. مردم اما میگویند بهداشت و درمان و خدمات اجتماعی نباید موضوعی برای کسب سود باشد. باید در اختیار



مبتنی بر شریعت هم کار نمیکند، يك دستگاه جنایت تمام عیار که از پستوهای وزارت اطلاعات کنترل میشود و در این دستگاه وکیل بی معنی است، وکلا را هم دستگیر میکنند، در این دستگاه دوندگی برای اثبات بی گناهی بی معنی است تصمیمات از قبل گرفته شده و سپس وارد پروسه اعتراف گیری با استفاده از شکنجه و ترور روحی و روانی میشوند.

در ایران يك مشت ملا و امام جمعه و قاضی مزدور حکومتی در دادگاهها همه کاره هستند که قساوت جزئی از ژن آنها است. پس در اینجا صحبت کردن در مورد اینکه چگونه میتوان جلوی جنایات و جرائم را گرفت و یا چگونه میتوان با شبکه توزیع کنندگان مواد مخدر مقابله کرد، آب در هاون کوبیدن است اینجا يك دستگاه جنایت و قتل عام را در مقابل خود داریم که با کشتن از خودش دفاع میکند، حکومتی که هیچگاه تشبیت نشد و همواره کشت تا چند صباحی دیگر عمر کند.

همگان باشد. آنها بحران های نظام خود را بهانه میکنند تا ریاضت اقتصادی را به اکثریت مردم تحمیل کنند. مردم میگویند ما مسئول بحران شما نیستیم. چرا هزینه اش را ما باید بپردازیم.

آنها بحرانی که خود مسبب آن هستند را روی سر مردم خراب میکنند و خود را برای سرکوب مردم ناراضی آماده تر کنند. این راه حل آنها برای حفظ سرمایه داری است اما راه حل مردم رهایی از نیروی سرکوب است. راه حل مردم صرف این هزینه ها در خدمت امکانات

جمهوری اسلامی دور تازه ای از اعدامهای جمعی را آغاز کرده و در چند هفته گذشته دهها نفر را اعدام کرده است. قربانیان این جنایت زندانیان عادی و اکثراً متهمین پرونده های مواد مخدرند اما علت و هدف اعدامها کاملاً سیاسی است. این تلاش حکومت اسلامی برای زهر چشم گرفتن از جامعه بدنبال سر کشیدن جام زهر هسته ای در لوزان است. رو بمردم تیغ میکشند که بریاد رفتن پروژه هسته ای و کوتاه آمدن در برابر "شیطان بزرگ" را جبران کنند. اما جمهوری اسلامی مستاصل تر از آن است که بتواند جامعه را مرعوب کند. اعتراض از همه جا زبانه میکشد و حکومت مرتجع اسلامی قادر به عقب راندن مردم نخواهد بود. با تمام قوا باید در مقابل این اعدام ها به میدان آمد و جلو این آدمکشی اوباشان حاکم را گرفت.

اعدام به هر دلیل و بهانه ای چیزی جز قتل عمد دولتی نیست و در همه کشورها باید ملغی بشود اما در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی اعدام يك رکن بقای حکومت است. میزنند و میکشند که قدرت جهانی شان را حفظ کنند. میتوان و باید دور تازه ای از اعتراض در خارج کشور علیه موج جنایت

رفاهی و اجتماعی است. آنها نظامی نابرابر و غیر انسانی ساخته اند بطوری که ثروت فقط ۸۰ نفر از ثروتمندترین سرمایه داران معادل ثروت نیمی از مردم جهان و ثروت ۱ درصد حاکم، یعنی سرمایه داران، بیش از دارائی ۹۹ درصد بقیه است. آنها خود از وضعیت انفجاری این نابرابری فاحش نگرانند و موسساتشان مدام هشدار میدهند. نظامی که آنها ساخته اند کوچکترین همخوانی با خواست ها و آمال و آرزوهای مردم ندارد. نگرانی و هشدار آنها اما بجا و واقعی است. خودشان از قول مارکس

حکومت اسلامی به راه انداخت، افکار عمومی را مطلع کرد و فشار بر جمهوری اسلامی را تشدید کرد.

روز شنبه ۲۵ آوریل همراه با سازمان های سیاسی دیگر در کشورهای مختلف دست به تجمع اعتراضی میزنیم و کلیه مردم آزاده، مخالفین اعدام، مخالفین جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای سیاسی مترقی و انسان دوست را به برگزاری تجمعات اعتراضی در شهرها و کشورهای مختلف فرامیخوانیم. باید افکار عمومی را علیه اعدام ها و در همبستگی با مبارزات مردم ایران به حرکت درآورد و موج تازه ای از اعتراض جهانی علیه جمهوری اسلامی به راه انداخت. حزب کمونیست کارگری همه ایرانیان آزاده و مخالف جمهوری اسلامی را به شرکت در این میتینگ ها و سازماندهی میتینگ های اعتراضی در هر جا که هستند فرامیخواند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ آوریل ۲۰۱۵

میگویند که "سرمایه داری با بذری که خود افشانده نابود خواهد شد". اما مارکس تنها نابودی سرمایه داری را پیش بینی نکرده است، راه آنرا نیز نشان داده است.

راه حل خلع ید سیاسی و اقتصادی از يك درصدیهای مفتخور سرمایه دار بقدرت مبارزه کارگران یعنی ۹۹ درصدیهای تولید کننده ثروت است. راه دیگر وجود ندارد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ آوریل ۲۰۱۵

شنبه ۲۵ آوریل ۵ اردیبهشت روز جهانی اعتراض به اعدام‌ها در ایران

لیست تظاهراتی ۲۵ آوریل در اعتراض به اعدام‌های اخیر در ایران

مصطفی باهیر 0403511767
عبدل گلپریان 04057588250
کلن، آلمان: Köln - Domplatte
شنبه ۲۵ آوریل ساعت ۶ بعد از ظهر
فرانکفورت: شنبه ۲۵ آوریل - ساعت ۱ بعد از ظهر
مرکز شهر Frankfurt Hauptwach
برگزار کنندگان:
حزب کمونیست ایران - فرانکفورت
حزب کمونیست کارگری ایران - فرانکفورت
سیدنی، استرالیا: روز دوشنبه ۲۷ آوریل
مکان: مقابل دفتر استان وزارت امور خارجه شماره ۱۲۳ در خیابان پیت در سیتی
123 Pitt Street, City Near Wynyard Station
برگزار کنندگان:
تشکیلات خارج حزب کمونیست ایران - استرالیا
تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران - استرالیا
کمیته همبستگی با کارگران ایران هواداران سازمان فدائیان اقلیت - سیدنی
برای اعلام پشتیبانی با این حرکت و قید حمایت شما در بروشور مربوطه لطفا با ناظری، امین زاده و مهرداد با شماره های 0413467243 و 0410682185 و 0423740617 تماس حاصل کنید
تورنتو: شنبه ۲۵ آوریل، ساعت ۵ تا هفت بعد از ظهر
مکان: (Yonge @ Dundas St.)
خیابان یانگ تقاطع خیابان دانداس
برای اطلاعات بیشتر می توانید با شماره تلفن و فیس بوک زیر با ما تماس حاصل نمایید.
Tell: 647-298-0409
کمیته بین المللی علیه اعدام - واحد تورنتو

استکهلم، سوئد: شنبه ۲۵ آوریل ساعت ۳ بعد از ظهر
میدان مرکزی شهر (میدان سرگلستوری) Sergelstorg
اسلو، نروژ: شنبه ۲۵ آوریل ساعت ۱ تا ۲ بعد از ظهر
مقابل سفارتخانه جمهوری اسلامی برگزار کنندگان:
حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان
تلفنهای تماس:
99749589-47441929
40563483-93251604
گوتنبرگ: جمعه ۲۴ آوریل ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر
برنز پارک جنب مجسمه یوهانا برگزار کنندگان:
حزب کمونیست ایران - واحد گوتنبرگ
حزب کمونیست کارگری ایران - واحد گوتنبرگ
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست واحد گوتنبرگ
برای هماهنگی و اطلاعات بیشتر:
کریم نوری: 0704441555
عبداله اسدی: 0737178819
حبیب سلطانی: 0764101362
مالمو: شنبه ۲۵ آوریل - ساعت ۱ بعد از ظهر
تری انگل - Triangeln
هلسینکی، فنلاند: شنبه ۲۵ آوریل از ساعت ۱ بعد از ظهر
میدان سه آنگر، جلوی بازار ستکمان Stokmann
سپس راهپیمایی به طرف سفارت جمهوری اسلامی درهلسینکی
کمیته برگزاری روز ۲۵ آوریل اعتراض علیه اعدام ها در فنلاند
تلفن های تماس:
نجمه شریفی 0443376185
رضا کمانگر 0405629548

لحظه ممکن است عضو خانواده شما، فرزند یا همسر و یا برادر و خواهرتان را اعدام کنند. باید قبل از فاجعه با اقدامات اعتراضی دست زد.

از تشکل های کارگران و معلمان، دانشجویان و مدافعین حقوق کودکان در ایران دعوت می کنیم در این حرکت اعتراضی مهم با ما همگام شوند.

تنها راه مقابله با اعدام ها در ایران اعمال فشار به جلازان قسی القلب حاکم بر ایران است که به راحتی آب خوردن انسان می کشند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت می کند روز شنبه ۲۵ ماه آوریل به این حرکت اعتراضی جهانی بپیوندند!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۰ آوریل ۲۰۱۵، ۳۱ فروردین ۱۳۹۴

تعداد که می توانید در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و یا مراکز شهرها، تجمع اعتراضی سازمان بدهید و توجه مردم آزاده و انسان دوست را به حرکت خود جلب کنید.

ما باید جامعه بین المللی و افکار عمومی جهانی را علیه این اعدام ها در ایران بسیج کنیم. باید دولت های غربی و اتحادیه اروپا و سازمان ملل را تحت فشار بگذاریم که به اعدام ها اعتراض کنند. سکوت این نهاد های بین المللی همراهی با جنایت بزرگی است که اتفاق می افتد.

در ایران در مقابل زندان ها و در مراکز شهرها و در هر جایی که امکانش هست تجمع کرده و به همراه خانواده های محکومین به اعدام متحده دست به اعتراض بزنید.

از خانواده هایی که محکوم به اعدام در زندان ها دارند، دعوت می کنیم در این تجمعات فعالانه شرکت کنند. نباید منتظر شد هر

جمهوری اسلامی بعد از توافق لوزان، به کشتار بیرحمانه دهها زندانی محکوم به اعدام دست زد. در زندان های قتل حصار، رجایی شهر، ندامتگاه مرکزی کرج، عادل آباد شیراز و زندان زاهدان و زابل و ... اخبار از اعدام گسترده زندانیان به دست می رسد. بطور قطع اعدام های مخفیانه در زندان های دیگر نیز اتفاق افتاده که اخبارش به دست نهادهای مخالف اعدام نرسیده است. تنها راه مقابله با اعدام های بیشتر در ایران، اعتراض یکپارچه و دسته جمعی همه ما است.

امروز دوشنبه همراه با تعدادی از احزاب و سازمان های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۵ آوریل را روز جهانی اعتراض به اعدام ها در ایران اعلام کرده و از همگان دعوت می کنیم که در این حرکت بزرگ اجتماعی و انسانی علیه اعدام ها بهر طریق ممکن شرکت کنند. در هر شهری که هستید و هر

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود